



نقش رجال راوندی در کاشان عصر سلاجقه

سید امیر الیاس موسوی^۱، محمود صادقی علوی^۲

۱- کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه پیام نور

۲- استادیار گروه تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه پیام نور

چکیده

منطقه کاشان و نقش رجال راوندی در دوران سلجوقیان از پژوهش‌هایی است که کمتر بدان توجه شده است. نگارنده در این پژوهش می‌کوشد نقش و اقدامات رجال راوندی در منطقه کاشان را بررسی و تحلیل نماید. گفتنی است از جمله رجال مشهور خاندان راوندی میتوان به قطب الدین راوندی، سید ابوالرضا راوندی و فرزندان او و سید فضل الله راوندی اشاره نمود. شخصیت‌های برجسته پیش گفته در منطقه کاشان با اقدامات و فعالیت‌های گوناگونی بایسته‌های رشد فرهنگی، اجتماعی و عمرانی کاشان را فراهم آوردند. اقدامات و فعالیت‌های کارآمد رجال راوندی موجب شد منطقه راوند در دوران سلجوقیان به رشد و شکوفایی دست یابد. این پژوهش با همین هدف و با روش توصیفی-تحلیلی یکایک اقدامات و فعالیت‌های رجال راوندی در عصر سلجوقیان را کاویده است. از جمله اقدامات شایسته و مهم ایشان در عرصه فرهنگ میتوان به روایت میراث حدیثی، شرح و تصحیح میراث روایی ائمه اطهار علیهم السلام، گسترش عقاید امامیه و ادبیات اشاره کرد. همچنین در عرصه اقدامات عمرانی و اجتماعی رجال راوندی نقش بسزایی داشتند. از مهمترین اقدامات اجتماعی ایشان می‌توان به ساخت مدارس علمیه در منطقه کاشان اشاره کرد. مدارس با نام‌های مدرسه صفویه، مدرسه خان، مدرسه علی بن فضل الله، مدرسه مجدیه، مدرسه علی بن فضل الله از ابنیه‌ای است که رجال راوندی در ساخت و ایجاد آنها نقش مهمی ایفا کردند.

کلمات کلیدی: سلجوقیان، کاشان، راوند، قطب الدین راوندی، سید ابوالرضا راوندی، سید فضل الله راوندی



مقدمه:

بررسی تأثیر گذاری رجال راوندی و علما برخاسته از این خاندان از جمله تحقیقات نوین و بکر به حساب می آید. این پژوهش مورخان را با چگونگی شکل گیری معارف ناب شیعی در شهر کاشان آشنا نموده و آنان را به مثابه یک خاندان موثر و با نفوذ در عرصه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خواهد شناساند. تأثیر ویژه آنان بر منطقه کاشان به عنوان ابهامی در حوزه پژوهش قلمداد می شود و بر طرف نمودن این ابهام، پژوهشی استوار و متین و مستقلی را طلب می کرد.

بنابراین ابهام و گرهی که قرار است این پژوهش باز نماید این است که نقش خاندان راوندی و علل و عواملی که باعث شد این خانواده تأثیر شگرفی بر جریان فرهنگی و اجتماعی و عمرانی منطقه کاشان بگذارند چه بوده و با غور در منابع تاریخی به این مسئله پاسخ مناسبی دهد.

از سوی دیگر دودمان سلجوق (سلاجقه، آل سلجوق)، یک دودمان غز سنی بودند که در سده های ۵ و ۶ هجری قمری، بر بخش های پهناوری از آسیای غربی صغیر مانند ایران، افغانستان، روم، شام و ارمنستان امروزی، سرزمین های عرب، ترک و دیگر نقاط فرمان می رانند و پادشاهی سلجوقیان بزرگ که پایگاه آن ها خراسان بود تا ۵۵۲ هجری برقرار بود

هنگام پادشاهی ملک شاه سلجوقی آن قلمرو به اوج اقتدار خود رسید و این محدوده از شرق تا ماورالنهر (بخشی از آسیای میانه) و از غرب تا دریای مدیترانه (دریای میانه) امتداد یافت که آل سلجوق زبان پارسی را زبان رسمی و حکومتی قرار دادند و وزیران آن زمان به ویژه عمید الملک کندی (وزیر طغرل یکم و آل ارسلان) و خواجه نظام الملک طوسی خدمات مهمی به این زبان و عمران و آبادانی شهرها و گسترش فن ها و دانش ها نمودند.

دوران پر فراز نشیب سلجوقیان در ابعاد مختلف قابل مطالعه و بررسی می باشد به خصوص تاثیری که حکومت سلجوقیان بر رشد شکوفایی عالمان دینی گذاشت که در این دوران فضای مطلوبی برای توسعه و شکوفایی فرهنگی مردم ایجاد گردید خصوصاً بزرگان شیعه توانستند با آزادی نسبی که در این دوران در اختیار داشته باشند به نشر و بسط معارف عمیق و غنی ثقلین پردازند چرا که این مهم موجب گردید خاندان های مختلفی از بزرگان شیعه در اطراف و اکناف ایران زمین به اقامه امور مذهبی پردازند همانطور که گفته شد از میان خاندان های مشهور در این دوران می توان به خاندان راوندی اشاره نمود چرا که این خاندان توانست در منطقه کاشان به نشر معارف اصیل اهل بیت اقدام ورزد.

از آنچه که گذشت می توان فهمید که شکوفایی و امنیت در سایه حکومت سلجوقیان باعث رشد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و علمی جامعه دوران سلجوقیان شده بود و این هدف والا در سایه یک حکومت مرکزی مقتدر محقق شد و بزرگانی همچون خاندان مشهور راوندی در شهر کاشان به فعالیت های علمی و فرهنگی خود شتاب بخشیدند و این جریان باعث شد علما و ادیبانی بزرگ از این خاندان تربیت شوند به سخن دیگر مطالعه و بررسی حوادث و اتفاقات مرتبط با دوران سلجوقیان و



5th International Conference on Language, Literature, History and Civilization

COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR




خاندان راوندی مخاطبین را به زوایای پنهان و مستور این دوران متصل می سازد و به سطح آگاهی خوانندگان این ج ستار می افزاید و گامی برای شروع این گونه مباحث در میان محافل علمی و تاریخی خواهد بود.

و در خصوص پیشینه تحقیق مقالاتی که در مورد پیشینه و سابقه تحقیقات می توان برد از جمله مقاله مدارس علمیه کاشان (از قرن ۵ تا ۱۵ هجری) است که زمانی که ملک سلجوق بن محمد بن ملک شاه سلجوقی در سال ۳۲۵ هـ -ق کاشان را به محاصره خود درآورد و تصمیم بر قتل مردم و نهب اموال مردم شهر گرفت، مجدالدین با تقدیم ۷۰۰۰ دینار طلای سرخ از ثروت خود، لشکریان او را به بازگشت راضی ساخت که یکی از آثار معروف مجدالدین در دیار خود بنای مدرسه عظیم «مجدیه» بود که ریاست علمی این را به شخصیت برجسته و پرنفوذ این روزگار، مولانا سید ضیاء الدین ابوالرضا فضل الله بن علی راوندی قاسانی سپرده بود؛ و بنابراین گاهی مدرسه به این دانشمند هم منتسب شده است. آیت الله العظمی حاج آقا رضا مدنی کاشانی فرزند مولی عبدالر سول کاشانی که از مراجع بزرگ و فقهای نامور معا صر بود، پس از تکمیل تحصیلات خویش در حوزه علمی قم در سال ۲۵۳۱ هـ-ق به کاشان بازگشت و حدود ۲ سال بعد، مدرسه ی مزبور را فعال کرده و به یکی از مراکز تدریس علوم اسلامی تبدیل نمود و دومین مقاله مربوط به نام دیدگاه تاریخی راوندیان که نویسنده آن مصطفی صادقی است که خلاصه آن در مورد ابوالرضا راوندی و قطب راوندی، دو عالم شیعی قرن ششم هجری، در زمینه های مختلفی از علوم اسلامی، از جمله نگارش تاریخ، سهم بوده اند. البته شهرت این دو عالم بیشتر در فقه و حدیث است و به این دو جنبه شناخته می شوند و سومین مقاله در مورد بررسی تاریخ تشیع کاشان از دیدگاه علما تا قرن دهم هجری که نویسنده آن خانم توتونی مفرد است که خلاصه آن در خصوص اهمیت کاشان و تشیع اهمیت کاشان در قرن ششم هجری به دلیل اقامت دو عالم برجسته شیعی در آنجا یعنی ابوالرضا راوندی و قطب الدین راوندی و مدرسه مجدیه که یکی از اعیان شهر برای عالمان امامی شهر بنا کرده بود و در آخر پایان نامه ارزشمندی مقطع دکتری از دانشگاه کاشان به نام بررسی ویژگی های حوزه حدیثی امامیه کاشان تا پایان قرن ششم هجری آن تحقیق بر آن است که به حوزه حدیثی کاشان از زمان شکل گیری و همچنین رشد آن تا قرن ششم پردازد و در سده های بعد، عالمان دیگری در این حوزه بالیدند که نه تنها بر این ناحیه بلکه بر سایر حوزه ها و گرایش حدیثی تأثیرگذار بوده و به عنوان نمونه به قطب راوندی می توان اشاره کرد که کتاب های متعدد وی در موضوعات گونه گون از جمله قرآن، تفسیر، فقه، حدیث، تاریخ و ... بیانگر گستردگی احاطه و تسلطش بر علوم و جامع الاطراف بودن شخصیت او است. تأمل در اسناد روایی کتب قطب راوندی، نشانگر مسافرت های او برای کسب علوم به شهرهایی مانند اصفهان، همدان، خراسان و ... می باشد. بنابراین پیشگامی سید ابوالرضا راوندی در شرح نهج البلاغه، بیانگر ریشه های عمیق تشیع در این سامان است. در این میان برخی خاندان ها مانند خاندان قاضی عبدالجبار بن محمد طوسی، از خراسان به کاشان هجرت کرده و منصب قضاوت را در این شهر بر عهده گرفتند. این نوع مهاجرت ها، به مثابه استقبال مردم



این سامان از فقیهان و دانشمندان سایر کشورها است که برای نمونه علی بن عبدالجبار طوسی را می‌توان نام برد که شیخ منتجب‌الدین در شرح حال وی او را فقیهی صاحب‌جاهت و موثق خوانده است.^۱

جغرافیای تاریخی راوند:

راوند، از آبادی‌های قدیم شهرستان کاشان، در استان اصفهان است. راوند در حدود ده کیلومتری شمال‌غربی شهر کاشان، در مسیر راه اصلی قم - کاشان و ارتفاع آن از سطح دریا هزار متر است.^۲ ظاهر آن نام راوند تغییر یافته ناوند، مرگب از «نا» به معنای آب و «وند» پسوند تصاحب و دارایی، و به معنای جای پر آب است.^۳

یاقوت حموی (ذیل ماده)، به نقل از حمزه اصفهانی، راوند را در اصل «راهاوند» به معنای خیر مضاعف دانسته است. در منابع قدیم، راوند قریه‌ای تابع کاشان یا اصفهان ذکر شده است.^۴ سکه‌های طلای به دست آمده از قلعه مورچان/ مورچه در نزدیکی راوند^۵، که امروزه فقط قسمتی از دیوار آن باقی مانده، نشان‌دهنده قدمت سکونت در محدوده راوند در پیش از اسلام است و با وجود اشتهار عالمان منسوب به راوند، در متون جغرافیایی قدیم، نام این آبادی کمتر آمده است و غالباً نسب نامه‌نویسان و شرح‌حال‌نگاران از راوند نام برده‌اند.^۶

در ذکر مهاجرت فرزندان امام علی و امام حسن علیهم‌السلام از شهرهای مختلف به راوند یا از آنجا به دیگر شهرها از این شهر نام برده است.^۷ حمله میاجق، از امرای خوارزم شاه، در ۵۷۴ به راوند و غارت آنجا^۸ و نیز نبرد مردم راوند با اللهیارخان افغان در ۱۱۶۱ و شکست او^۹ از مهم‌ترین حوادث تاریخی راوند به شمار می‌روند. در دوره ناصرالدین شاه^{۱۰}، راوند از قرای مشهور اصفهان و آب مصرفی آنجا از پنج رشته قنات تأمین می‌شد که مهم‌ترین آن نابر بود. باغ‌های بسیار به ویژه انار و توت، برای تولید ابریشم، داشت و از محصولات زراعی آنجا گندم، جو و خربزه بود.^{۱۱}

در راوند، تغییر بناهای بومی به ساختمان‌های جدید به کندی صورت گرفته است و در بخش‌های نسبتاً وسیعی از بافت قدیم آنجا، خانه‌های نیمه ویران و غیرم سکون با باغ‌های، عمدتاً انار، خشک شده دیده می‌شود. از بناهای تاریخی راوند این‌ها

^۱ منتجب‌الدین، ص ۸۳.

^۲ جعفری، ج ۳، ص ۶۰۰؛ نقشه کامل ایران امروز

^۳ مهریار، ج ۱، ص ۴۱۷، ج ۳، ص ۳۲۱؛ نیز برهان، ج ۲، ص ۹۳۳

^۴ برای نمونه قمی، ص ۲۰۸؛ یاقوت حموی، همانجا

^۵ ضرابی، ص ۱۱۹-۱۲۰

^۶ برای نمونه ابونعمان اصفهانی، ج ۱، ص ۳۰۱؛ سمعانی، ج ۳، ص ۳۲-۳۱؛ سیوطی، ج ۱، ص ۳۴۳.

^۷ نیز قمی، همانجا.

^۸ راوندی، ص ۳۹۳-۳۹۴.

^۹ ضرابی، ص ۲۱۲.

^{۱۰} حک: ۱۲۶۴-۱۳۱۳.

^{۱۱} اعتمادالسلطنه، ج ۴، ص ۲۱۰۹؛ ضرابی، ص ۸۲؛ کتابچه حالات و کیفیت بلده و... کاشان، ص ۲۸۵-۲۸۶؛ نیز فرخیار، ص ۲۵.



هستند: بقعه امامزاده سلطان ولی بن موسی بن جعفر علیه السلام در بافت قدیم راوند، که دارای ایوانی آئینه کاری و دری مشبک با تاریخ ۱۱۰۷۸ است و سابقاً گنبد مخروطی دوازده ترک با کاشی کاری فیروزه‌ای داشت که امروزه کاملاً بازسازی شده است؛ مسجد پاچنار، از دوره قاجار که دارای دو شبستان تحتانی و فوقانی است و صحن و حیاط ندارد و در ۲ اردیبهشت ۱۳۸۷ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است؛ خانه نیمه ویران منصوری‌ها، از دوره قاجار که در سه طبقه و به مساحت هزار مترمربع ساخته شده و دارای اتاق‌هایی با گچ‌بری و مقرنس کاری است؛ و چند آب‌انبار از جمله آب‌انبار پاچنار، از دوره قاجار^{۱۲}.

با این همه، امروزه راوند دارای دهیاری است و روستا شناخته می‌شود و در منابع جغرافیایی و تاریخی، «راوند» نام سه محل دانسته شده است:

۱- محلی در راه قم و نزدیک کاشان؛

۲- محلی در نیشابور؛

۳- محلی در موصل عراق.^{۱۳}

آنچه بیشتر به عنوان «راوند» معرفی می‌شود و مشهور است همان راوند کاشان است. قراین کافی دلالت دارند بر اینکه قطب الدین راوندی و ابوالرضا راوندی اهل راوند مشهور بوده‌اند. از جمله این قراین، مدفن قطب الدین راوندی در شهر قم و ابوالرضا راوندی در کاشان است.

ملاقات سمعانی با ابوالرضا راوندی در کاشان و اشعار وی در دیوانش به خوبی نشانگر سکونت وی در این منطقه هستند. بنابراین، سخن افندی، که بی‌دلیل و برخلاف مشهور، احتمال داده است قطب الدین راوندی از راوند نیشابور باشد،^{۱۴} نادرست است.^{۱۵}

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد محلی که در نزدیکی نیشابور به عنوان «راوند» شناخته می‌شود، «ریوند» است که در موارد زیادی آنجا و مشاهیر آن را با راوند کاشان آمیخته‌اند. از آن جمله، احمد بن یحیی ریوندی از رجال قرن سوم است که به گونه‌ای نادرست «ابن راوندی» شهرت یافته است.^{۱۶}

^{۱۲} شاطری، ص ۸۶-۸۷؛ شریف، ص ۱۲؛ فرخیار، ص ۱۸۱-۱۸۲؛ یزدانمهر، ۱۳۹۱ش؛ جلیوند، ۱۳۹۱ش.

^{۱۳} معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۸۴ (ذیل راوند).

^{۱۴} ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۲۰.

^{۱۵} اتحاد تعدادی از استادان قطب الدین راوندی با ابوالرضا راوندی، همچنین وجود مزار قطب الدین راوندی در قم و نزدیک کاشان، احتمال سکونت وی در راوند نیشابور را رد می‌کند. علاوه بر این، درباره موطن قطب الدین راوندی، چنین ادعایی بی‌سابقه است.

^{۱۶} کتاب تاریخ اجتماعی کاشان (ص ۵۱) با اشاره به تردید برخی در محل زاد و بوم احمد، او را از راوند کاشان دانسته و معتقد است: در تمام دوره اسلامی، هرچنان «راوند» آمده، مراد همین راوند است.

^{۱۷} صادقی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۱۴۹.



5th International Conference on Language, Literature, History and Civilization

COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR



۳-۱-۱-ارتباط کاشان با قم و اصفهان

شهر کاشان همان گونه که در حال حاضر از نظر تقسیمات کشوری تابع اصفهان به شمار می‌رود و جزو این استان است، در صدر اسلام نیز به همراه قم از توابع اصفهان بود. ارتباط مردم کاشان با اصفهان را می‌توان از روابط فرهنگی آنان استفاده کرد. تعبیر «کاشانی اصفهانی» یا عکس آن درباره تعدادی از محدثان و همچنین رفت و شد عالمان این دو منطقه با یکدیگر به خوبی مؤید روابط نزدیک آنها با یکدیگر است

درباره حضور عماد الدین کاتب اصفهانی در کاشان و حضور فرزند ابو الرضا راوندی در اصفهان نیز سخن گفته می‌شود. اینها در حالی است که این زمان، کاشان مهد تشیع و اصفهان هنوز سنی‌نشین بوده است. در کتب مربوط به اصفهان، از افراد زیادی به عنوان «کاشانی» یاد شده است که شهرتی ندارند؛ چنان که در کتب روایی و رجالی، به نام افراد زیادی برمی‌خوریم که یا کاشانی ساکن اصفهان هستند یا بعکس.^{۱۸} بنابراین، با وجود ارتباط اصفهان و کاشان، تأثیر و تأثری از نظر مذهبی صورت نگرفته است.

از سوی دیگر، در اواخر قرن دوم، قم از اصفهان جدا شد^{۱۹} و از آن پس کاشان از توابع قم به شمار می‌رفت. از این رو، طبیعی است که آن دو ارتباط بیشتری باهم پیدا کردند. اینکه جغرافی‌نویسان نام «قم» و «کاشان» را در کنار یکدیگر ذکر کرده و هریک را به وسیله دیگری تعریف می‌کنند، نشانه ارتباط تنگاتنگ آنها، بخصوص از نظر مذهبی است؛ زیرا غالباً از تشیع قم و کاشان در کنار هم یاد می‌شود. گویا حتی در دوره‌ای که این دو زیر نفوذ اصفهان بوده‌اند، باهم روابط نزدیک داشته‌اند.^{۲۰} دیگری مدرسه‌ای معروف در کاشان بوده که سید ابو الرضا راوندی ریاست آن را برعهده داشته و در آن تدریس و موعظه می‌کرده است.^{۲۱}

۳-۲- معرفی رجال راوندی

^{۱۸} به اجمال، نک. ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۴، اشاره به ابراهیم بن عبد الله القاسانی؛ فهرست ابن ندیم، ص ۲۶۷؛ معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۴۱ (ترجمه «ابو بکر محمد بن اسحاق» اهل کاشان به قرینه مذهب ظاهری‌اش که باید در اصفهان آن دوره رواج داشته باشد)؛ تاریخ الاسلام، ج ۴۱، ص ۱۵۹ (که از ابو نصر فرزند محمد بن ذاکر خرقی اصفهانی به عنوان «کاشانی» یاد می‌کند و افراد متعدد دیگری که باتوجه به مشکل تشابه اسمی کاشان قم و کاشان ماوراءالنهر و همچنین فاشان و باشان. اظهار نظر قطعی درباره مسکن آنان مشکل است).

^{۱۹} جدایی قم از اصفهان در زمان خلافت هارون الرشید (۱۹۳-۱۷۰) اتفاق افتاد. نک. تاریخ قم، ص ۲۴ و ۳۱.

^{۲۰} صادقی، مصطفی، کاشان در مسیر تشیع، صفحه: ۱۲۰، شیعه شناسی، قم - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش.

^{۲۱} صادقی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۱۳۹.



5th International Conference on Language, Literature, History and Civilization

COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR




۳-۲-۱- سید فضل الله راوندی

یکی از اندیشمندان شهیر منطقه کاشان سید فضل الله راوندی است که پیرامون تاریخ وفات او اطلاعات خاصی یافت نشد اما آنچه که سید علی خان در درجات الرفیعه گفته است وی تا سال ۵۴۸ هجری قمری زنده بوده است. مدفن این عالم جلیل القدر کاشان است. عالم جلیل مولی احمد نراقی در اجازه‌ای که برادرش محمد مهدی داده است چنین اظهار می‌دارد:

«فالشیخ سدید الدین یروی، عن السید احمد العریض، عن برهان الدین الحمدانی القزوینی، عن الشیخ منتجب الدین علی بن عبید الله بن الحسن بن الحسین بن علی بن بابویه، عن السید ضیاء الدین ابی الرضا فضل الله بن علی بن عبید الله الراوندی الکاشانی اصلا و مدفنا، عن الشیخ ابی علی «تا آخر کلامش»»

و سپس در حاشیه گفته است:

«دفن رحمه الله فی المزار المعروف به «پنجه شاه» قرب المسجد الجامع القديم فی سمت شماله، و مزاره معروف»

حسین پرتو بیضائی در کتاب «تاریخ کاشان» بعد از ذکر سید فضل الله راوندی گفته است:

«مدفن مطهری در زاویه جنوبی قبرستان محله «پنجه شاه» کاشان است که به مقبره سید ابو الرضا و بزبان عوام به مقبره سلطان سدومی «که البته غرض سلطان سید امیر است» معروف، و آن مقبره وصل به حوض خانه و متوضای مسجد جمعه کاشان است، و بر قبر وی محجری چوبین نصب شده، و بر اطراف مقبره^{۲۲} حصار و غرفی بنا نموده‌اند، اهالی آنجا به وی ارادتی تمام دارند، چنانکه در تمام لیلی چراغی بر بالای قبرش روشن می‌کنند. و در این بقعه قبور دیگری نیز هست، سنگ قبرش سنگی است تمام قد که در ماه محرم ۱۲۲۹ (هجری قمری) از طرف حاج محمد باقر نام کاشی تهیه و وقف شده، نام و القاب و نسب آن حضرت را بدین نهج بر آن سنگ نقر نموده‌اند:

هذا مرقد السید الإمام الأعظم الأعلی افضل الأکمل، رئیس العلماء أفضل السادات و الشرفاء، زیده السادات و الهوی^{۲۳}، و حجه الحق علی خلق، ضیاء الدین تاج الإسلام أبو الرضا فضل الله بن علی بن عبید الله بن محمد بن عبد الدین بن حسین^{۲۴} بن علی بن محمد بن حسن بن جعفر بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام، وقف هذا الحجر حاج محمد باقر عمادی بن حاج محمد جعفر شهر محرم الحرام ۱۲۲۹.»

شایان توجه است چند قطعه شعری را که سید فضل الله راوندی درباره فرزندش کمال الدین ابو المحاسن احمد «که شرح حالش گذشت و صاحب این شماره است» سروده است ذکر نموده و سپس به ترجمه بقیه خاندان راوندی خواهیم گذشت.^{۲۵}

^{۲۲}منتجب‌الدین، ۱۳۶۶ ه.ش، ۱۶۳.

^{۲۳} کذا و شاید در اصل «الهداة» بوده.

^{۲۴} کذا و صحیح «عبید الله بن الحسن».

^{۲۵}منتجب‌الدین، ۱۳۶۶ ه.ش، ص ۱۶۴.



۳-۲-۲- ابو الرضا راوندی

امام ضیاء الدین ابو الرضا فضل الله بن علی بن عبید الله حسنی در سال ۴۸۳ هـ متولد شد.^{۲۶} افندی نسب وی را با پانزده واسطه به امام حسن مجتبی علیه السلام رسانده است.^{۲۷} مادرش فرزند حسین بن احمد حسینی، از عالمان محدث و فقیه راوند بود.^{۲۸} از زندگی شخصی و دوران پیش از شهرت او اطلاعی نداریم. از اینکه در خاندان و نیاکان وی بزرگانی از دیلم و زیدیه به چشم می‌خورند - مانند احمد بن عبید الله النا صر الکبیر و احمد النا صر الصغیر و حسن بن عبید الله الهادی بالله و ابو الهول داعی^{۲۹} - و از اینکه ابو الرضا راوندی از نسل فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام است، می‌توان احتمال داد که وی یا یکی از پدران او زیدیه به امامیه گرویده‌اند. اولین نفر از اجداد ابو الرضا راوندی که به راوند آمد، جد چهارم او عبید الله، فقیه، محدث و شاعر بود.^{۳۰}

بسیاری از عالمان شیعه از جمله معاصرانش، او را به عظمت یاد کرده و علم و فضل او را ستوده‌اند. ابو الرضا به مناطق زیادی مانند حجاز و عراق و مناطق شیعه‌نشین و حتی سنی‌نشین ایران سفر کرد تا حدیث بشنود.^{۳۱ و ۳۲} عماد الدین کاتب اصفهانی در کتابش بارها از ابو الرضا راوندی نام برده و در یک‌جا به تفصیل، شرح حال و اشعار و جریان ملاقاتش را با او ذکر کرده است.

وی عبارتی طولانی را به تجلیل و تعریف ابو الرضا اختصاص داده،^{۳۳} می‌نویسد:

«تألیفات او در علوم گوناگون و زیادی است، واعظی است که مردم او را قبول دارند.»

در سال ۵۳۳، که به کاشان حمله شد، من و برادرم همراه پدرم در کاشان بودیم و در طول یک سال اقامت، به مدرسه «مجذیه» رفت و آمد داشتیم. من می‌دیدم که سید ابو الرضا در مدرسه مردم را موعظه می‌کرد و مردم به حضور او می‌رسیدند و بهره می‌بردند.^{۳۴}

همچنین ابن شهر آشوب، که شاگرد و راوی ابو الرضا راوندی بود، می‌نویسد:

^{۲۶}. النوادر، ص ۱۸ (مقدمه) به نقل از: لمعة النور.

^{۲۷}. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۶۴.

^{۲۸}. منتجب الدین، ص ۵۲.

^{۲۹}. نوادر، ص ۴۳ (مقدمه).

^{۳۰}. لمعة النور، ص ۹، به نظر می‌رسد مرحوم مرعشی این مطلب را از کتاب المجدی (ص ۸۳) استفاده کرده باشد، هرچند در آنجا تصریحی به آمدن عبید الله به راوند نیست.

^{۳۱}. النوادر، ص ۳۸ (مقدمه).

^{۳۲} صادقی، ۱۳۸۶ هـ.ش، ص ۱۵۶.

^{۳۳}. «الشریف النسب، المنیف الادب، الکریم السلف، العالم الکامل، قبله القبول و عقله العقول، ذو الابهة و الجمال...» (خریده القصر، ص ۶۷)

^{۳۴}. همان، ص ۶۷.



«احادیث کتب اصحاب ما به طریق افرادی همچون ابو الرضا به شیخ طوسی می‌رسد.^{۳۵}»

ابو الرجا قمی، نویسنده تاریخ سلجوقیان، می‌نویسد:

«امیر سید امام ضیاء الدین ابو الرضا، که جهان به فضل و علم او جنت عدن بود...^{۳۶}»

بر اساس گزارش عماد الدین کاتب اصفهانی، ابو الرضا راوندی در سال ۵۲۲ قمری، قریب یک سال در اصفهان سکونت داشت.^{۳۷}

برخی استادان و مشایخ ابو الرضا عبارت بودند از:

«امین الاسلام طبرسی، صاحب مجمع البیان؛ حسن فرزند شیخ طوسی؛ عبد الجبار طوسی، از علمای کاشان و قاضی وقت آنجا و شاگرد شیخ طوسی؛ ابو البرکات محمد بن اسماعیل مشهدی؛ و محمد بن علی بن محسن حلبی و ابن کمیح که از شیوخ قطب الدین راوندی هم هستند.^{۳۸}»

زمان وفات ابو الرضا روشن نیست و محدث ارموی سخن سید علیخان و آقابزرگ که وفات او را به سال ۵۴۸ دانسته‌اند، نادرست می‌داند.^{۳۹} تنها مطلبی که می‌توان گفت این است که ابو الرضا تا پس از سال ۵۵۰ در حیات بوده است؛ زیرا عمادالدین کاتب اصفهانی می‌نویسد: در سال ۵۴۹ به بغداد رفتم. در آن زمان، ابو الرضا و فرزندش احمد زنده بودند. پس از چند سال شنیدم که احمد از دنیا رفت و، اکنون که سال ۵۶۲ است، نمی‌دانم پدرش زنده است یا نه.^{۴۰}

مدفن ابو الرضا در مرکز شهر کاشان و در نزدیکی بقعه «پنجه شاه» قرار دارد. به نظر می‌رسد مدفن وی همان مدرسه یا منزل او باشد، بخصوص که نزدیک مسجد جامع شهر هم هست. در گزارشی از مرقد این عالم - که مربوط به بیش از نیم قرن پیش است - می‌خوانیم:

«آن مقبره وصل به حوض خانه و متوضای مسجد جمعه کاشان و نزد مردم به «سلطان سید امیر» مشهور است. اهالی آنجا به وی اراداتی تمام دارند؛ چنان که در تمام لیالی، چراغی بر بالای قبرش روشن می‌کنند.»^{۴۱}

امروزه مزار این عالم بزرگ چندان شهرتی ندارد و محل رفت و آمد مردم نیست؛ بخصوص آنکه به دلیل دور ماندن محل آن از خیابان اصلی، تقریباً مهجور مانده است.

^{۳۵}. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳.

^{۳۶}. تاریخ الوزراء، ص ۵۳.

^{۳۷}. خریده القصر، ص ۷۰.

^{۳۸}. نک. النوادر، ص ۱۸ به بعد و مقایسه کنید با: الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۹۳ و ۷۹۶.

^{۳۹}. دیوان، ص ۲۷ (مقدمه).

^{۴۰}. خریده القصر، ص ۷۶.

^{۴۱}. فهرست منتخب الدین، ص ۱۶۳ (تعلیقات محقق کتاب).



از مجموع مطالبی که درباره سید ابو الرضا راوندی گفته‌اند، عظمت وی نزد علمای شیعه و سنی آشکار می‌شود. اهمیت وی علاوه بر مقامات علمی و دینی و آثار متعددش، اشعار برجای‌مانده اوست. دیوان وی در حقیقت، تاریخ محلی شهر کاشان در محدوده قرن پنجم و ششم به شمار می‌رود که بسیاری از مطالب آن در کتب دیگر یافت نمی‌شود.^{۴۲}

از زندگی شخصی و دوران پیش از شهرت او اطلاعی نداریم. از اینکه در خاندان و نیاکان وی بزرگانی از دیلم و زیدیه به چشم می‌خورند - مانند احمد بن عبید الله النا صر الکبیر و احمد النا صر الصغیر و حسن بن عبید الله الهادی بالله و ابو الهول داعی^{۴۳} - و از اینکه ابو الرضا راوندی از نسل فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام است، می‌توان احتمال داد که وی یا یکی از پدران او زیدیه به امامیه گرویده‌اند. اولین نفر از اجداد ابو الرضا راوندی که به راوند آمد، جد چهارم او عبید الله، فقیه، محدث و شاعر بود.^{۴۴}

بسیاری از عالمان شیعه از جمله معاصرانش، او را به عظمت یاد کرده و علم و فضل او را ستوده‌اند. ابو الرضا به مناطق زیادی مانند حجاز و عراق و مناطق شیعه‌نشین و حتی سنی‌نشین ایران سفر کرد تا حدیث بشنود.^{۴۵ و ۴۶}

یکی از معاصران او، که شاگرد او هم بود، منتجب‌الدین صاحب کتاب فهرست است. او در کتابش، ذیل نام «ضیاء الدین ابو الرضا راوندی»، از او با واژه امام، علامه‌ی زمان و استاد دانشمندان عصر خود یاد می‌کند و می‌نویسد: علو نسب را با فضل و حسب آمیخته است. آن‌گاه هشت مورد از آثار او را بر شمرده است^{۴۷} که به آنها اشاره خواهد شد. آثار وی نشانگر آشنایی وی با علوم گوناگون اسلامی است.

سمعانی می‌نویسد:

«در کاشان گروهی از علما و اهل فضل را ملاقات کردم که از آن جمله سید فاضل ابو الرضا فضل الله بن علی علوی حسنی کاشانی بود. احادیثی از او اخذ کردم و اشعاری از او نوشتم. وقتی بر در خانه‌اش منتظر او بودم، نگاهم به بالای در افتاد که با گچ آیه *إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ...*^{۴۸} را نوشته بود.»^{۴۹}

راوندی به یک واسطه از شیخ طوسی، اجازه داشته و خواجه نصیر طوسی و مرتضی بن داعی حسنی رازی - صاحب تبصره العوام - از مشایخ او بوده‌اند.^{۵۰}

^{۴۲} صادقی، مصطفی، کاشان در مسیر تشیع، صفحه: ۱۶۰، شیعه شناسی، قم - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش.

^{۴۳} نوادر، ص ۴۳ (مقدمه).

^{۴۴} لمعة النور، ص ۹، به نظر می‌رسد مرحوم مرعشی این مطلب را از کتاب المجدی (ص ۸۳) استفاده کرده باشد، هرچند در آنجا تصریحی به آمدن عبید الله به راوند نیست.

^{۴۵} نوادر، ص ۳۸ (مقدمه).

^{۴۶} صادقی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۱۵۶

^{۴۷} فهرست منتجب‌الدین، ص ۹۶.

^{۴۸} احزاب: ۳۳.

^{۴۹} الانساب، ج ۱۰، ص ۲۹۷ (ذیل القاسانی).

^{۵۰} ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۷۰.



عمادالدین کاتب اصفهانی در کتابش بارها از ابو الرضا راوندی نام برده و در یک جا به تفصیل، شرح حال و اشعار و جریان ملاقاتش را با او ذکر کرده است.^{۵۱}

وی عبارتی طولانی را به تجلیل و تعریف ابو الرضا اختصاص داده،^{۵۲} می نویسد:
 «تألیفات او در علوم گوناگون و زیادی است، واعظی است که مردم او را قبول دارند. در سال ۵۳۳، که به کاشان حمله شد، من و برادرم همراه پدرم در کاشان بودیم و در طول یک سال اقامت، به مدرسه «مجدیه» رفت و آمد داشتیم. من می دیدم که سید ابو الرضا در مدرسه مردم را موعظه می کرد و مردم به حضور او می رسیدند و بهره می بردند.»^{۵۳}
 همچنین ابن شهر آشوب، که شاگرد و راوی ابو الرضا راوندی بود، می نویسد:
 «احادیث کتب اصحاب ما به طریق افرادی همچون ابو الرضا به شیخ طوسی می رسد.»^{۵۴}
 ابو الرجا قمی، نویسنده تاریخ سلجوقیان، می نویسد:

«امیر سید امام ضیاء الدین ابو الرضا، که جهان به فضل و علم او جنت عدن بود...»^{۵۵}
 براساس گزارش عماد الدین کاتب اصفهانی، ابو الرضا راوندی در سال ۵۲۲، قریب یک سال در اصفهان سکونت داشت.^{۵۶}
 برخی استادان و مشایخ ابو الرضا عبارت بودند از: امین الاسلام طبرسی، صاحب مجمع البیان؛ حسن فرزند شیخ طوسی؛ عبد الجبار طوسی، از علمای کاشان و قاضی وقت آنجا و شاگرد شیخ طوسی؛ ابو البرکات محمد بن اسماعیل مشهدی؛ و محمد بن علی بن محسن حلبی و ابن کمیح که از شیوخ قطب الدین راوندی هم هستند.^{۵۷}
 زمان وفات ابو الرضا روشن نیست و محدث ارموی سخن سید علیخان و آقابزرگ که وفات او را به سال ۵۴۸ دانسته اند، نادرست می دانند.^{۵۸}

قطب الدین راوندی

ابو الحسین سعید بن عبد الله بن حسین بن هبة الله، مشهور به «قطب الدین»،^{۵۹} عالم به فقه و تفسیر و کلام و حدیث و تاریخ بود. از زمان ولادت و تاریخ زندگی او، اطلاع چندانی در دست نیست و آگاهی هایی که داریم از لابه لای آثار متعدد اویند.

^{۵۱} صادقی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۱۵۷.

^{۵۲} «الشریف النسب، المنیف الادب، الکریم السلف، العالم الکامل، قبله القبول و عقله العقول، ذو الآیة و الجمال...» (خریده القصر، ص ۶۷).

^{۵۳} همان، ص ۶۷.

^{۵۴} مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳.

^{۵۵} تاریخ الوزراء، ص ۵۳.

^{۵۶} خریده القصر، ص ۷۰.

^{۵۷} نک. النوادر، ص ۱۸ به بعد و مقایسه کنید با: الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۹۳ و ۷۹۶.

^{۵۸} دیوان، ص ۲۷ (مقدمه)؛ صادقی، مصطفی، کاشان در مسیر تشیع، صفحه: ۱۵۹، شیعه شناسی، قم - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش.

^{۵۹} عنوان دیگر وی «سعید بن هبة الله» است که در برخی کتابها آمده و مختصر شده نسب اوست.



COMSTECH Inter-Islamic Network
on Virtual Universities

Holding time: March 2021
Avicenna International Community College LLC
WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

ابن حجر عسقلانی از او با عنوان سعید بن هبة الله بن حسن بن عیسی یاد کرده، می نویسد: «ابن بابویه در تاریخ ری گفته است: وی در همه‌ی علوم، صاحب فضل بود و تألیفات متنوع و فراوانی دارد.»^{۶۰}

آثار متعدد قطب الدین راوندی نشانگر گستردگی فعالیت علمی وی و آشنایی اش با علوم گوناگون اسلامی است؛ کتاب‌هایی در موضوع قرآن، تف سیر، فقه، فلسفه، حدیث، دعا، ادبیات و تاریخ، علما و رجال نوید سان شیعه و سنی از وی با عظمت یاد کرده‌اند.

همان گونه که یکی از محققان معاصر بیان می کند، شواهد حاکی از آن هستند که قطب الدین در شهر ری ساکن بوده است؛^{۶۱} زیرا منتجب الدین در تاریخ ری، از او یاد می کند. البته این کتاب در دست نیست و ابن حجر به این موضوع اشاره کرده و پیداست که آن کتاب از منابع وی به شمار می رفته است.^{۶۲}

قطب الدین راوندی در سال ۵۷۳ رحلت کرد^{۶۳} و در کنار بارگاه حضرت معصومه علیه السلام دفن شد. امروزه سنگ قبر وی مقابل ایوان آئینه در صحن اصلی بارگاه خودنمایی می کند.

آن گونه که از برخی اسناد روایی قطب الدین استفاده می شود، وی سفرهایی به اصفهان، همدان و خراسان برای سماع حدیث داشته است. افندی سی تن از مشایخ قطب الدین را نام برده^{۶۴} که از آن جمله‌اند:

عماد الدین طبری صاحب کتاب بشارة المصطفی، محمد بن حسن پدر خواجه نصیر طوسی؛ مرتضی بن داعی رازی مؤلف تبصرة العوام، ابو منصور بن شهریار بن شیرویه دیلمی. آثار وی را قریب شصت کتاب و رساله ذکر کرده‌اند.^{۶۵ و ۶۶}

تأثیرات و اقدامات رجال راوندی در منطقه کاشان

در این بخش به برخی از اقدامات فرهنگی، اجتماعی و عمرانی رجال راوندی خواهیم پرداخت:

۳-۱- اقدامات فرهنگی

از شخصیت‌های کم نظیر قرن ششم که در گسترش میراث حدیثی شیعه تأثیر گذار بوده، بی شک سید ابوالرضا راوندی است. خدمات او به میراث حدیثی شیعه را می توان به دو بخش کلی تقسیم کرد: اول روایت میراث حدیثی گذشتگان و

^{۶۰} لسان المیزان، ج ۳، ص ۴۸. مراد از «ابن بابویه»، منتجب الدین است.

^{۶۱} مجله تراثنا، ش ۳۹، ۱۴۱۵ ق، ص ۲۵۶ «نهج البلاغة عبر القرون».

^{۶۲} لسان المیزان، ج ۳، ص ۴۸.

^{۶۳} بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۲۳۵.

^{۶۴} ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۲۶ و ۴۳۴.

^{۶۵} فقه القرآن، مقدمه کتاب.

^{۶۶} صادقی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۱۶۴.



انتقال آن به آیندگان تا آنجا که وی به عنوان پل ارتباطی برای انتقال این میراث به آیندگان تلقی می‌شود. گاهی او به عنوان تقویت کنند اسناد انتقال این میراث به آیندگان و در برخی موارد او راوی این میراث است که بدون شک اگر وی نبود، حالا آن میراث به دست ما نمی‌رسید. بخش دوم از خدمات سید ابوالرضا راوندی، شرح و تصحیح میراث حدیثی است؛ نسخه‌هایی از آثار کهن شیعه با اجازه سید ابوالرضا راوندی موجود است که او این آثار را در سفری که در سال ۵۱۱ هجری به بغداد داشته، دریافت کرده است. در رهگذر این اقدام او کاشان را به محل آمدو شد محدثان سایر حوزه‌های حدیثی، برای تصحیح کتاب‌های حدیثی مهم شیعه همچون أمالی سید مرتضی، شرح نهج البلاغه، خصائص الأئمة و تلخیص البیان سید رضی، رساله اهوازیه، کتاب من لإیحضر الفقیه و أمالی شیخ صدوق تبدیل کرده است.

سید ضیاءالدین ابوالرضا فضل‌الله بن علی بن عبیدالله از نوادگان امام حسن (ع) تأثیرگذارترین محدثان در قرن ششم هجری در حوزه حدیثی کاشان است. او در رأس خاندانی قرار دارد که نسب ایشان به محمد سلیق از سادات حسنی می‌رسد^{۶۷} خاندان مادری‌اش نیز اهل علم بوده‌اند و منتجب‌الدین، شیخ حسین بن احمد بن حسین، جد مادری سید ابوالرضا، را با اوصاف «فقیه، صالح و محدث» ستوده است^{۶۸} نخستین فرد از اجداد سید ابوالرضا راوندی که به راوند آمد، جد چهارم وی عبیدالله، فقیه، محدث و شاعر بود^{۶۹} درباره علی بن عبیدالله الحسینی، پدر سید ابوالرضا، بنا بر اطاعت شجره‌نامه‌های قدیمی و برخی اجازات او از اساتید سید ابوالرضا بوده و ابوالرضا روایاتی را از او اخذ کرده است^{۷۰} علی بن عبیدالله در روز چهارشنبه ۲۸ رجب ۵۳۱ هجری فوت کرده و راوندی در دیوان خود، مرثیه‌های در وفات او سروده است^{۷۱} مادر سید ابوالرضا فاطمه دختر سید حسین راوندی و نواده دختری حسین بن احمد بن حسین هست که منتجب‌الدین، حسین بن احمد مذکور را با اوصاف «فقیه، صالح و محدث» ستوده است^{۷۲}.

از جمله مشایخ و اساتید سید ابوالرضا راوندی می‌توان به جمالی، مدین ابوالفضل عبدالرحیم بن احمد معروف به ابوالحسن اخوه^{۷۳}، ابوعبدالله حسن بن عبیدالله غضائری^{۷۴}، ابوعبدالله محمد بن احمد نطنزی^{۷۵}، ابوالحسن علی بن یحیی راوندی، ابوالحسن بن محمد فرزند شیخ طوسی، ابوالمحاسن عبدالواحد بن اسماعیل رویانی، قاضی ابوالعلی عبدالجبار بن محمد

^{۶۷} ابن‌عساکر، ۴۱۷: ۱، ص ۱۶۶.

^{۶۸} منتجب‌الدین، ۱۳۶۶: ۱، ص ۵۲.

^{۶۹} مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۴۲.

^{۷۰} همان: ج ۱، ص ۲۵۱.

^{۷۱} حسنی راوندی، ۱۳۳۴: ص ۶۷-۶۹.

^{۷۲} مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۴۱؛ منتجب‌الدین، ۱۳۶۶: ش ۱۰۱، ص ۵۲.

^{۷۳} حسنی راوندی، ۱۳۳۴: ص ۱۸۹.

^{۷۴} مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۴۷.

^{۷۵} همان: ۲۴۹.



بن - سین طو سی^{۷۶}، ابو علی - سن بن احمد حداد رازی قمی^{۷۷}، محمد بن علی بن - سن حلبی^{۷۸}، سید مرتضی بن داعی - سنی و برادرش سید مجتبی^{۷۹}، ابو صم صمام ذوالفقار بن محمد معبد - سنی مروزی و - سین بن محمد بن عبد الوهاب بغدادی و... اشاره کرد.^{۸۰}

از شاگردان او نیز می توان به منتجب الدین رازی، ابن شهر آشوب مازندرانی، عبدالله بن جعفر دوریستی، را شد بن ابراهیم بحرانی، سید مجتبی جعفری قزوینی و محمد بن حسن علوی کاشانی اشاره کرد.^{۸۱}

بسیاری از عالمان عصر سید ابوالرضا، او را به بزرگی یاد کرده اند؛ برای نمونه منتجب الدین که شاگردش نیز بوده او را با لقب «امام» یاد کرده است و درباره وی می نویسد: علامه روزگارش بود و با نسب عالی، کمال حسب و فضل را دارا بوده و استاد پیش سوايان زمانش به شمار می آمد^{۸۲} قزوینی رازی او را با وصف امام و کسی که در تمام عالم از نظر علم و زهد بی نظیر است، معرفی می کند^{۸۳} کاتب اصفهانی بعد از مدح و ستایش فراوانی که برای سید ابوالرضا ذکر کرده، او را دارای تصنیفات متعدد در علوم مختلف و واعظی که مورد توجه عموم مردم قرار گرفته، می داند و بیان می کند در خرد سالی که بر اثر گرفتاری به همراه برادر کوچکترش به کاشان رفته بود و در آنجا تحت تکفل یکی از دوستان پدرش بود، مدت ۱ سال به مدرسه مجدییه رفت و آمد داشته است و سید ابوالرضا در این مدرسه به موعظه مردم مشغول بود و اشخاص از هر طرف، پای منبر او گرد می آمدند.^{۸۴}

سمعانی از مشاهیر اهل سنت ذیل عنوان «القاشانی» می نویسد: «در کاشان با گروهی از علما و فض دیدار کردم که از جمله ایشان سید فاضل، ابوالرضا فضل الله بن علی حسینی [عنوان حسینی صحیح است زیرا سید ابوالرضا از نوادگان امام حسن (ع) است] بود. احادیث و قطعاتی از اشعار او را یادداشت کردم. پیش از او به در خانه اش رسیدم منتظر ماندم تا از خانه بیرون بیاید، در این حال دیدم بر سردر خانه اش آیه شریفه " إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا "^{۸۵} با گچ نوشته شده بود، پس از ورود به خانه ابوالرضا علوی کاشانی، ابیاتی به خط خویش نوشته و به من داد.^{۸۶}

^{۷۶} حسینی راوندی، ۱۳۳۴: ص ۴۳.

^{۷۷} مدنی، ۱۹۸۳م: ص ۵۰۶.

^{۷۸} منتجب الدین، ۱۳۶۶: ش ۱۰۱، ص ۳۵۷.

^{۷۹} مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۵۲ - ۲۵۳.

^{۸۰} همان: ۲۴۷-۲۵۵.

^{۸۱} همان: ص ۲۵۵-۲۵۷.

^{۸۲} منتجب الدین، ۱۳۶۶: ش ۳۳۴، ص ۹۶.

^{۸۳} قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ص ۱۹۸.

^{۸۴} عمادالدین کاتب، ۱۳۷۵ق: ج ۹، ص ۶۷-۶۸.

^{۸۵} احزاب: ۳۳.

^{۸۶} سمعانی، ۱۹۶۲م: ج ۱۰، ص ۲۹۷-۲۹۸.





COMSTECH Inter-Islamic Network
on Virtual Universities

Holding time: March 2021
Avicenna International Community College LLC
WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

بر اساس نسخ خطی، تاریخ وفات وی باید در روز عرفه بین سالهای ۵۷۱ تا ۵۷۴ مقبره سید ابوالرضا را در زاویه جنوبی قبرستان «پنج‌ه‌ش‌اه» و در ناحیه ش‌ه‌مالی ۷ هجری باشد. مسجد جامع کاشان هست ولی متأسفانه مرقد شریف و مضع نورانی این عالم فرزانه و فقیه یگانه ۸ و امامزاده عظیم الشان در زمان کنونی متروک و مهجور و غریب مانده است.

۳-۳-۲- روایت میراث حدیثی

بخشی از خدمات سید ابوالرضا به تشیع، روایت میراث حدیثی گذشته گان و انتقال آن به آیندگان است تا آنجا که او به عنوان پل ارتباطی برای انتقال این میراث به آیندگان تلقی می‌شود. گاهی وی را به عنوان تقویت کننده اسناد انتقال این میراث به آیندگان و در برخی موارد، راوی منحصر به فرد این میراث است که بی‌شک اگر او نبود، اکنون این میراث به دست ما نمی‌رسید. سید ابوالرضا راوندی برای روایت و انتقال این میراث مسافرت‌های متعددی داشته و اسامی مکان‌هایی که سید ابوالرضا برای ام و سماع احادیث سفر کرده است، بدین شرح است: قم، اصفهان، ری، نیشابور، بیهق، بغداد، مکه، مدینه، کربلا، نجف، خراسان، قومس (دامغان)، قزوین، آبه (آوه)، ساوه، أبهر، حلّه، فیحاء، زنجان، شیراز و ...^{۸۷} سید ابوالرضا راوندی در نقل آثار شیخ طوسی نقش مؤثری داشته است^{۸۸} همچنین او در نقل کتاب رجال نجاشی با واسطه ابوصمصام ذوالفقار بن معبد حسنی (راوی اصلی کتاب) نقش داشته است^{۸۹} اسامی برخی از این میراث حدیثی در اینجا ذکر می‌شود.

۳-۳-۱- ادعیه‌السر

این کتاب در بردارنده ۳۳ دعا و حدیث قدسی هست که در شب معراج بر رسول خدا (ص) وارد شده است و هر کدام برای اهداف خاصی است. در آغاز این کتاب، خواص ممتاز و در مورد دعاها در بخشش گناهان ذکر شده و تأکید شده است.^{۹۰} گرچه محتوای عمیق این دعاها خود شاهدهی بر صحت و استواری مطالب آن است، این کتاب دارای اسناد متعددی است و بر این، متن کامل این ادعیه در کتب معتبر دعا نیز وارد شده است.

^{۸۷} مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۷۶-۲۷۵.

^{۸۸} ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۱، ص ۱۱.

^{۸۹} مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۴، ص ۹۵.

^{۹۰} حسنی راوندی، ۱۳۸۰: دفتر چهارم، ص ۱۹۵-۱۹۶.



5th International Conference on Language, Literature, History and Civilization

COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR



۳-۳-۲- ادعیه الوسائل الی المسائل

از دعاهایی که سید ابوالرضا راوندی در انتقال آن نقش داشته است، مجموعه روایاتی مروی از امام رضا(ع) موسوم به ادعیه الوسائل الی المسائل است که شامل ده مناجات استخاره، طلب عفو، سفر، طلب رزق، استعاذه، طلب توبه، طلب حج، طلب رفع ظلم ظالم، شکر خداوند و طلب حوائج است.

در سند این رساله آمده است: سید ابوالرضا راوندی گفت که خیر داد مرا سید مرتضی بن داعی حسنی در شهر ری از جعفر بن محمد دوریستی از پدرش از شیخ صدوق که گفت: حدیث کرد مرا عبدالله بن رواحه بن مسعود از ابراهیم بن محمد بن حارث نوفلی از پدرش که خادم و ملازم امام رضا(ع) بود، این گونه روایت می کند: هنگامی که مأمون خلیفه عباسی دختر خود را به عقد امام جواد(ع) درآورد، آن حضرت به مأمون نوشتند: «به درستی که برای هر زنی، مهریه ای از مال شوهرش است و به تحقیق که خدای تعالی اموال ما را در آخرت برای ما ذخیره گردانیده، همچنان که در دادن اموال شما در دنیا تعجیل نموده و شما را در آن صاحب خزانه ها گردانیده است. من دعاها را و سایل به سوی مسألتها را مهر دخترت گردانیدم و آن مناجاتی چند است که آنها را پدرم، حضرت امام رضا(ع) به من داده و او نیز از اجداد رسول خدا(ص) روایت کرده است که آن حضرت فرمودند است: به من این دعاها را جبرئیل داد و گفت که رب العزه بر تو ای محمد سلام می فرستد و می گوید: این دعاها، کلید گنج های دنیا و آخرت است سپس آن ها را وسیله به سوی درخواست های خود بگردان تا آنکه به هدفت برسی و این دعاها را در حاجات دنیوی بخوان تا بهره تو از آخرت کم نگردد».^{۹۱}

از سوی دیگر علامه مرعشی، عزالدین علی فرزند سید ابوالرضا راوندی را صاحب رساله ای با عنوان الوسائل الی المسائل از امام رضا(ع) می داند که از مکتوبات قرن ۶ در ۲۶ صفحه و نسخه های از آن در کتابخانه نصیری امینی موجود است. بنا بر گفته علامه مرعشی، این رساله مشتمل بر دعاء السر، ظاهراً متفاوت با کتاب سید ابوالرضا در این موضوع است.^{۹۲} شاید تصور می شود که این کتاب همان ادعیه الوسائل الی المسائل سید ابوالرضا راوندی است که به گفته او فرزند او ذکر شده در حالی که با بررسی متن های ادعیه الوسائل مذکور در کنوز النجاح مشخص می شود که این متن با متن ادعیه السر کاملاً متفاوت است و گرچه هر دو دعا از جمله احادیث قدسی است و در برخی عناوین مشترک اند، محتوای آنها با هم کاملاً متفاوت اند.

۳-۳-۲-۳- الاربعین فی الاحادیث

^{۹۱} طبرسی، ۱۴۳۹ق: ص ۴۰-۴۱.

^{۹۲} مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۴۴.



ابن طاووس در کتاب یقین خود، نام آن را سنه الأربعین فی سنه الإربعین بیان کرده است که وی همچنین به این کتاب دسترسی داشته است و دو مورد از آن نقل کرده: مورد اول تسه حمیة علی (ع) توسط پیامبر (ص) به اوصاف «سید المسلمین و إمام المتقین و قائد الأئمة المحجلین و یعسوب الدین و أمير المؤمنین و الصديق الأكبر و الفاروق الأعظم و قسیم الجنان و النار» است.^{۹۳}

مورد دوم نیز حدیثی منقول از ابوذر صحابی پیامبر هست که در این از قول رسول الله (ص) نقل می‌کند که علی (ع) اولین فردی است که در روز قیامت با پیامبر مصافحه می‌کند و صدیق اکبر و فاروق اعظم است که میان حق و باطل فرق می‌گذارد و پیشوای مؤمنان است در حالی که اموال دنیایی، سار کافران است.^{۹۴} این تألیف در اجازة محمد بن الحسن بن محمد بن ابی الرضا العلوی که برای برادرزاده خود محمد بن جمال الدین احمد بن ابی المعالی العلوی (م ۷۶۹) نوشته، یاد شده است.

۳-۳-۲-۴- دعای جوشن صغیر

این دعا سرّی از اسرار خداوند است که به رسول الله (ص) تعلیم داده شده است و مختص دادرسی به مظلومان هست که به جوشن معروف شده است. این دعا برای امان از آفات و عقوبات دنیوی و بهروری از نعمت‌های اخروی هست که تعلیم این تنها به اهل آن جایز و بر مشرکان حرام است بخاطر اینکه کسی با این دعا خدا را نمی‌خواند مگر اینکه حاجت او برآورده خواهد شد. روایت‌هایی در اهمیت این دعا و سرعت اجابت آن ذکر شده است.^{۹۵} موضوع این دعا شکرگزاری و نوزده بند دارد که در هر بند امام (ع)، نخست نعمتی از نعمت‌های الهی را بر می‌شمرد و در پایان هر بند، دعاکننده از خدا می‌خواهد که بر پیامبر (ص) و اهل بیت او صلوات فرستاده و شخص را از شکرگزاران و یادکنندگان نعمت‌های الهی قرار دهد. هر چند دعای جوشن دارای اسنادی متعدد است لیکن طبرسی در کنوز النجاح اولین سند آن را این گونه ذکر می‌کند: سید ابوالرضا راوندی می‌گوید: به من خبر داد سید ابو تراب حسنی از ابوعبدالله جعفر بن محمد دوریستی از ابوعبدالله الدؤلّی از هارون بن موسی تلعبیری که گفت: حدیث کرد مرا ابوالعباس بن علی بن ابراهیم از عمارة بن زید عقیلی از عبدالله بن عه از امام صادق (ع) از اجداد طاهریتش از حضرت علی (ع) که خطاب به فرزندش امام حسین (ع) به نقل از رسول خدا (ص) فرمودند:

...^{۹۶} [۷]

^{۹۳} ابن طاووس، ۱۴۱۳ق: ص ۴۶۷.

^{۹۴} همان: ۵۱۱.

^{۹۵} طبرسی، ۱۴۳۹ق: ص ۵۱.

^{۹۶} همان جا.



۳-۳-۲-۵- خبر مولانا القائم (عج)

از کتب قرن ششم که نسخه‌های از آن در ۱۰ صفحه در کتابخانه‌ی میرزا فخرالدین نصیری امینی موجود است^{۹۷} ابن طاووس حدیثی طولانی درباره‌ی تعداد یاران امام زمان (عج) و تعیین جایگاه ایشان، از کتاب یعقوب بن نعیم بن قرقاره، از نسخه‌های ارزشمند ذکر می‌کند که روی آن نسخه، خط سید فضل الله راوندی بوده است.^{۹۸}

۳-۳-۲-۶- الروایة النبویة

علامه مجلسی روایتی در باب نوروز از برخی کتاب‌های معتبر نقل می‌کند که سید ابوالرضا راوندی آن را با سند خود از معلی بن خنیس از امام صادق (ع) روایت می‌کند^{۹۹} در این روایت، مواردی متعدد از ویژگی‌های منحصر به فرد عید نوروز ذکر شده است.

۳-۳-۲-۷- قنوت موالینا الائمة المعصومین

از کتب قرن ششم که نسخه‌ای از آن در چهار صفحه در کتابخانه میرزا فخرالدین نصیری امینی موجود است^{۱۰۰} به نظر می‌رسد که محتوای این کتاب، همان قنوتاتی است که سید بن طاووس در مهج الدعوات از ائمه صلواتی که آن را یافته، نقل می‌کند.^{۱۰۱}

۳-۳-۲-۸- مناجات الهیات

از مناجات‌های زیبا و پر شور امیرالمؤمنین که علاوه بر زیبایی نثر، حاوی مضامین والای عرفانی و اخلاقی است، مناجات الهیات هست. آیت الله مرعشی این مناجات را «کبریت أحمر» و «حجج مکرمة» توصیف کرده است^{۱۰۲} و معتقد است که در سند این مناجات افرادی موثق و مورد اطمینان هستند.^{۱۰۳}

^{۹۷} مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۶۶.

^{۹۸} ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ص ۳۷۵.

^{۹۹} مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۶، ص ۹۱.

^{۱۰۰} مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۶۶.

^{۱۰۱} ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ص ۴۶.

^{۱۰۲} مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۴۰.

^{۱۰۳} همان: ج ۱، ص ۲۷۶.



استاد مشکات درباره این مناجات می گویند: «پس از صحیفه‌ی سجادیه و معدودی ادعیه که در بسیاری از کتب حدیث به روایات صحیحه نقل شده، این مناجات معتبرتر است و حتی این مناجات از بیشتر دعاهایی که ابن طاووس و علامه مجلسی و شیخ عباس قمی در کتاب های دعا خود ایراد کرده‌اند، معتبر است»^{۱۴} راوی اصلی این مناجات، سید ابوالرضا راوندی است.

۳-۳-۲-۹- ندبه الامام السجاد(ع)

طبق متن های موجود، ندبه‌های مروی از امام سجاد(ع)، سه ندبه هستند که همه یا بخشی از آن در منابع روایی ذکر شده است.

ندبه اول که از همه معروف تر و طولانی تر هست که ضمن اجازه علامه حلی به بنی زهره از آن یاد شده است. «زهری» راوی اصلی این روایت از امام سجاد(ع) هست که در سند این ندبه، سید ابوالرضا راوندی قرار دارد.

۳-۳-۳- شرح، تصحیح و اجازه میراث حدیثی

بخش دوم از خدمات سید ابوالرضا راوندی، شرح و تصحیح میراث حدیثی هستند که تا آنجا که او کا شان را به محل آموشد محدثان سایر حوزه‌های حدیثی، برای تصحیح کتب حدیثی شیعه تبدیل کرده است. محدث نوری، سید ابوالرضا را از مشایخ بزرگی می‌داند که اکثر اسانید اجازات به او منتهی می‌شود.^{۱۵}

بر اساس نسخ خطی، نسخه‌هایی از آثار کهن شیعه با اجازه‌ی سید ابوالرضا راوندی موجود هستند که او این آثار را در سفری که در سال ۵۱۱ هجری به بغداد داشته، دریافت کرده است. از جمله آن آثار می‌توان به اُمالی سید مرتضی، شرح نهج البلاغه، خصائص الأئمه و تلخیص البیان سید رضی، رساله اهوازیه، کتاب من یحضر الفقیه و اُمالی شیخ صدوق اشاره کرد.

۳-۳-۱- الحاشیه علی اُمالی المرتضی

افندی گفته که سید ابوالرضا تعلیقات زیادی بر کتاب غرر و درر دارد که من این ها را با خط خودش، بر پشت نسخه‌هایی که برای شاگردش سیدنا صرالممدین ابوالمعالی محمد اجازه داده، دیده‌ام^{۱۶} همچنین حسین بن ابی عبدالله بن ابراهیم خومجانی، نسخه‌ای از اُمالی سید مرتضی را که در سال ۵۶۷ هجری کتابت شده، در تملک داشته است که اکنون به شماره

^{۱۴} مرزبانی، ۱۳۷۸: مقدمه، ص ۴۷.

^{۱۵} نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۱۷۴.

^{۱۶} افندی، ۱۴۳۱ق: ج ۴، ص ۳۷۱.



۱۴۵ در کتابخانه‌ی اسکوریال موجود است که اساس تصحیح امالی سید مرتضی توسط محمد ابوالفضل ابراهیم بوده است. خومجانی نسخه را نزد سید ابوالرضا راوندی خوانده که از وی در سال ۵۶۸ هجری اجازة روایت این را دریافت کرده است. سید ابوالرضا کتاب امالی را به روایت استادش ابن اخوة بغدادی از ابوغانم عصمی از سید مرتضی روایت کرده است. همچنین ابوالرضا کتاب را به روایت ابن اخوة از نقیب حمزة بن ابی‌عز حسینی از احمد بن قدامه از سید مرتضی و از سید مرتضی بن داعی حسینی از ابو عبدالله جعفر بن محمد دوریستی در روایت داشته است.^{۱۰۷}

۳-۳-۲- شرح نهج البلاغه

یکی از مهم‌ترین آثار سید ابوالرضا راوندی، شرح نهج البلاغه امیرالمؤمنین است. این شرح غیر از شرح نهج البلاغه قطب الدین راوندی هست و مجلسی در بحارالانوار هر دو راوندی را صاحب شرح نهج البلاغه می‌داند.^{۱۰۸} سید عبدالعزیز طباطبایی معتقد هست که سید ابوالرضا را می‌توان اولین شرح دهنده نهج البلاغه قلمداد کرد؛ زیرا دیگرانی که در زمره اولین شارحان نهج البلاغه معرفی شده‌اند بعدها شرح خود را تکمیل کرده‌اند؛ برای نمونه قطب راوندی شرح خود را در آخر شعبان ۵۵۶ هجری به اتمام رسانده است که علی بن ابوالقاسم زید بیهقی (ابن فندق) از دیگر اشخاص که به عنوان اولین شارح نهج البلاغه معرفی شده، شرح خود را در سال ۵۵۲ هجری به پایان رسانده است. در این میان، سید ابوالرضا در سفر علمی خود از کاشان به بغداد در نوجوانی و برای طلب علم و دانش، به نسخه اصل نهج البلاغه به خط سید رضی، دست یافته و در ربیع اول سال ۵۱۱ هجری برای خود استنساخ کرده، تعلیقاتی بر آن نگاشته و کلمات غریب آن را تفسیر و جملات مبهم آن را توضیح داده است.

برخی از بزرگان به نسخه شرح نهج البلاغه راوندی به خط خود مؤلف دسترسی داشته است که محمد نازویه قمی از افرادی است که در کاشان حضور یافته است و نسخه نهج البلاغه سید ابوالرضا را از طریق سماع از او دریافت کرده است. توضیح مطلب این که نسخه بسیار قدیمی از نهج البلاغه در کتابخانه «المتحف العراقي» به خط محمد بن حسن بن نازویه قمی به تاریخ ۵۵۶ هجری موجود است^{۱۰۹} نا‌سخ، این نسخه را با نسخه علی بن زید ابوالقاسم بیهقی (ابن فندق) مقابله کرده است. محمد نازویه قمی در نیمه شوال سال ۵۶۸ هجری این نسخه را بر قطب راوندی نیز قرائت کرده است^{۱۱۰} که همچنین این نسخه را با نسخه سید ابوالرضا راوندی با درج حواشی نسخه ابوالرضا در نسخه خود، در ربیع اول سال ۵۷۱ هجری در کاشان

^{۱۰۷} رحمتی، ۱۳۹۵ الف: پاورقی ۱۶۰.

^{۱۰۸} مجلسی، ۱۴۰۳ ج: ۱۰۷، ص ۱۶۸.

^{۱۰۹} موسوی بروجردی، ۱۴۳۳ ق: ص ۷۹.

^{۱۱۰} همان: ۸۱.



مقابله و در مدت ۲۲ روز، از ابتدای ربیع اول ۵۷۱ تا ۲۲ همان ماه، بر سید ابوالرضا راوندی قرائت کرده است. سید ابوالرضا در ربیع الثانی سال ۵۷۱ هجری به وی اجازه روایت این نسخه را داده است^{۱۱۱} به علاوه نسخه‌ای که از نهج البلاغه در کتابخانه رضا در شهر رامپور به شماره ۱۱۹۰ موجود است که در ۵۵۳ هجری توسط عبدالجبار بن حسین بن ابیالقاسم حاجی فراهانی، زمانی که سید ابوالرضا راوندی برای استراحت به روستای جوشقان رفته است که از روی نسخه وی کتابت شده جز آنکه در این نسخه، کاتب اشاره‌ای به اینکه نسخه اساس کتابت او که نسخه نهج البلاغه هم‌راه ابوالرضا بوده، در چه سالی یا از روی کدام نسخه کتابت شده، نکرده اما مشخص است که نسخه اساس کتابت، همان نسخه‌ای باید باشد که ابوالرضا در سال ۵۱۱ هجری در بغداد از روی نسخه اصل کتابت کرده است^{۱۱۲} همچنین جمال‌الدین علی بن محمد القمی المتطبب، از شاگردان سید ابوالرضا، شرح نهج البلاغه راوندی را با اجازه از او روایت می‌کند ولی نسخه خود را پس از وفات سید ابوالرضا در سال ۵۸۹ هجری بر فرزند او، عزالدین مرتضی علی بن فضل الله راوندی، قرائت می‌کند^{۱۱۳}. در نتیجه اشخاصی همچون محمد نازویه قمی به مقابله نسخه نهج البلاغه خود نزد بزرگانی از حوزه‌های حدیثی آن روزگار، چون نیشابور و ری، بسنده نکرده و به کاشان سفر می‌کنند تا از نسخه این محدث کاشانی نیز بهره‌وافی ببرند. این مطلب نشانگر اهمیت داشتن این نسخه نهج البلاغه است که نزد محدثان بزرگ آن دوره بوده است. اعقاب ابوالرضا راوندی باید نسخه اخیر و کتابخانه او را در اختیار داشته باشند و مشخصاً نوه دختری او، یعنی حسن بن محمد بن عبدالله بن علی جعفری حسینی در ۶۳۱ هجری از کتابت نسخه‌های از نهج البلاغه فراغت حاصل کرده است که علی‌القاعده و به احتمال بسیار باید کتابتی از همان نسخه جدش ابوالرضا راوندی باشد^{۱۱۴} شرح نهج البلاغه سید ابوالرضا تا قرن هشتم نیز موجود بوده است و ابن عثاقی حلی (متوفای بعد از ۷۸۸ هجری) در شرح خود بر نهج البلاغه از آن استفاده کرده است^{۱۱۵}.

۳- ۴- گسترش تشیع

آثار قلمی و کتب علمی و رسائل نفیس سید ابوالرضا که می‌توان از آن به عنوان میراث سلف برای خلف یاد کرد، فراوان است. ای نگاشته بایسته‌های گسترش تشیع محسوب می‌شود.

^{۱۱۱} همان: ۸۲.

^{۱۱۲} رحمتی، ۱۳۹۵ الف: ۱۷۳.

^{۱۱۳} موسوی بروجردی، ۱۴۳۳ق: ص ۱۳۴.

^{۱۱۴} رحمتی، ۱۳۹۵ الف: ۱۷۴.

^{۱۱۵} آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۴، ص ۱۴۳.



برخی از این آثار عبارت‌اند: از ۱. ادعیه‌ی سر؛ ۲. الأربعین فی الأحادیث؛ ۳. ترجمه‌ی العلوی للطلب الرضوی؛ ۴. الحاشیه‌ی علی أمالی المرتضی؛ ۵. شرح نهج البلاغه؛ ۶. الکافی فی التفسیر؛ ۷. النوادر؛ ۸. خبر مولانا القائم؛ ۹. عج الحماسه ذات الحواشی؛ ۱۰. الموجز الکافی فی علمی العروض و القوافی؛ ۱۱. المدائح المجدیة؛ ۱۲. دیوان الراوندی. آنچه محرز است این است که او بیش از یک دیوان داشته است. اشعاری که او در مناسبت‌های مذهبی و اغراض دینی و قصایدی که در مدح و سوگن اهل بیت سروده، در دیوان مخصوصی جمع‌آوری شده که به دست ما نرسیده است. دیوانی که اکنون از او در دست ما است، مشتمل بر مطالبی غیر از موضوعات فوق است.

متأسفانه این دیوان موجود هم به طور کامل همه قصاید را در بر ندارد و برخی از قصاید هم به صورت کامل، در آن درج نشده است. دیوان موجود ۱۸۶۰ بیت دارد که توسط محدث، سید جلال الدین ارموی، تحقیق و تصحیح شد و در سال ۱۳۴۴ به چاپ رسید^{۱۱۶}.

افندی نسخه‌ای کهن از منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه قطب راوندی را در استرآباد دیده که به نوشته‌ی وی به احتمال در زمان حیات مؤلف (قرن ششم) تألیف شده بوده است.^{۱۱۷ و ۱۱۸}

گفتنی است که برخی از آثار مؤلفان شیعی ایرانی، در دوران پیش از صفوی به مناطق عربی می‌رفته است. افندی نسخه‌ای کهن از آیات الاحکام قطب راوندی را در بحرین دیده است.^{۱۱۹ و ۱۲۰}

کفایة المؤمنین فی معجزات الائمه المعصومین در ترجمه‌ی الخرائج و الجرائح قطب راوندی؛ از: محمد شریف خادم بنام شاه طهماسب^{۱۲۱}. نسخه‌ای از آن در کتابخانه جامع گوهرشاد است. فهرست‌نویس گفته است، مترجم، یعنی محمد شریف خادم، آن را به نام سلطان ابراهیم قطب شاهی ترجمه کرده است.^{۱۲۲}

مؤلف در اینجا به روایتی از کتاب الخرائج راوندی استناد می‌کند - و البته قید می‌کند «اگر درست باشد» و ما نیز تأکید می‌کنیم «اگر درست باشد» - در این روایت از قول امام علی علیه‌السلام آمده است که مردم اصفهان پنج خصلت را ندارند: سخاوت، شجاعت، امانت، غیرت، و دوستی اهل بیت علیهم‌السلام. می‌دانیم که از قرن اول تا چهارم، به دلیل نفوذ تبلیغات امویان و سپس عباسیان و نیز رسوخ عالمان بدطینت در اصفهان، نوعی تسنن افراطی بر این مردم غالب بود؛ گرچه شیعیانی نیز در آن زندگی می‌کرده‌اند. قطب الدین خطاب به مردم اصفهان می‌گوید: کجاست سخاوت و مواسات میان ما مردم؛ در حالی

^{۱۱۶} به نقل از علی رضا صحیحی، اغراض شعری و آرایه‌های بلاغی در دیوان ابوالرضا راوندی، ۱۳۹۲، ص ۲-۳.

^{۱۱۷} افندی، همان، ج ۲، ص ۴۲۱

^{۱۱۸} جعفریان، ۱۳۷۹ ه.ش، ج ۲، ص ۸۰۹.

^{۱۱۹} همان، ج ۲، ص ۴۲۴

^{۱۲۰} جعفریان، ۱۳۷۹ ه.ش، ج ۲، ص ۸۰۹.

^{۱۲۱} فهرست مجلس ج ۲۱ ص ۲۷۹

^{۱۲۲} فهرست گوهرشاد ۳/۱۲۲۹ جعفریان، ۱۳۷۹ ه.ش، ج ۳، ص ۱۱۲۶



که فقرا و مساکین از گرسنگی در حال تلف شدن هستند. شجاعت و غیرت شما کجاست، در حالی که از اطراف و اکناف بلاد، زنان به اسارت در می آیند، ناموس مردم از میان می رود و ما مانند قاعدین برجای خود نشسته ایم. اگر این تشیع و ایمان است که وای بر حال شما: قُلْ بِنَسَمَا يَا مُرْكُمُ بِهِ اِيْمَانُكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِيْنَ ۱۲۴ و ۱۲۳.

۳-۵- ادبیات

دایر سازی کرسی های شعر و شاعری و مدیحه سرایی از دیگر اقدامات خاندان و رجال راوندی محسوب می شود. از آنجا که ایران از قرن سوم به بعد، زیر سیطره سلسله های پادشاهی ایرانی چون طاهریان، صفاریان، ساسانیان و... با نظارت خلفای عباسی اداره می شده است. در قرن چهارم، حکومت آل بویه در ایران ظهور کرد و فرصتی به وجود آمد تا مکتب تشیع انشمار یابد؛ از این رو، قرن چهارم دوره ی شکوفایی مکتب تشیع به خصوص ادبیات غنی عربی است. زمینه ساز این شکوفایی، برپایی چهار دولت شیعه مذهب [آل بویه در ایران و عراق، فاطمیون در مصر، حمدانیون در سوریه و زیدیون در یمن] است. در این روزگار است که شخصیت های بزرگی همچون شیخ صدوق، سید رضی، سید مرتضی، شیخ طوسی و برتر از همه، شیخ مفید طلوع کردند؛ اما دیری نپایید که حکومت آل بویه در قرن پنجم منقرض شد و حکومت متحجر عقل ستیز سلجوقیان بر سر کار آمد. حکومتی که جور و ستم بر شیعیان را وجهه همت خود ساخت. شاهد این امر، ویران شدن قم، کاشان، راوند و کشتار شیعیان این مناطق به دست سلجوقیان است.^{۱۲۵}

علامه سید ابوالرضا راوندی در چنین روزگاری به دنیا آمد. او بیست ساله بود که استادش «عبدالواحد رویانی» به دست فرقه ی اسماعیلیه به شهادت رسید. سی سال پس از این ماجرا زادگاه او راوند و شهر کاشان در معرض تاخت و تاز وحشیانه یکی از شاهزادگان سلجوقی [سلجوق بن محمد بن ملک شاه] واقع شد. سید ابوالرضا در دیوان خود، از این ماجرا در قصیده ای با ۱۰۵ بیت یاد کرده است. این ابیات نمونه شفاف و گویایی از گسترش ادبیات در زمان حیات رجال راوندی است. سید ابوالرضا در این قصیده به طور خلاصه گوشزد می کند که لشکر مجهز ملک سلجوق در هجوم به اردهار و قصد تجاوز به روستای بارکرسف و تخریب مشهد پشیمان شدند و گذشته از عظمت ظاهری و زینت بقعه و آمدن مردم به زیارت از دور و نزدیک، ترسی در دل آنها ایجاد شد و تمام گروه آنها برگشتند و هیچ جسارتی نمودند.^{۱۲۶}

^{۱۲۳}. بقره، ۹۳

^{۱۲۴} جعفریان، ۱۳۷۹ ه. ش، ج ۳، ص ۱۳۲۲.

^{۱۲۵} النوادر، ص ۳۹-۴۲

^{۱۲۶} الطوائف الجعفریة، ص ۱۶-۱۷ به نقل از صحیحی، پیشین، ص ۳-۴.




COMSTech Inter-Islamic Network
on Virtual Universities

Holding time: March 2021
Avicenna International Community College LLC
WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

۳-۵-۱- تالو ارادت به ائمه اطهار در ادبیات شعری ابوالرضا راوندی

ابوالرضا راوندی اخلاص و ارادت عجیبی به ساحت مقدس نبی اکرم (ص) و معومین داشت. او به عنوان فرد شیعه‌ی واقعی دوازده امامی، در قصیده‌ای، به مدح رسول اکرم (ص) و تو صیف و ستایش امامان معصوم بعد از آن حضرت می‌پردازد. ابوالرضا راوندی نخستین عالم شیعی است که در مدح و ستایش علی بن امام محمد باقر (ع) شعر سروده و به بیان جلالت این امامزاده پرداخته است.^{۱۲۷} شاعر در قصیده‌ای که برای تمجید از مجدالدین ابوالقاسم عبیدالله بن فضل بن محمود کاشانی سروده است، و در ادامه، برای بیان ارادت خویش به خاندان اهل بیت به مدح علی بن امام محمد باقر (ع) پرداخته و سروده است یعنی خداوند در دل خاک م‌شاهد و مزار او یکی از ذخیره‌های بزرگ و کریم ابوالحسن فرزند امام باقر را امانت قرار داد؛ همو که پدر بزرگوارش شکافنده‌ی علوم این قیده را مرحوم ید به عنوان تشکر از مجدالدین سروده است.^{۱۲۸}

اغراض شعری سید ابوالرضا شاعری مدیحه سراست. او در اشعار خود، حضرت رسول اکرم (ص) امامان معصوم (ع) و مجدالدین و خانواده‌اش و برخی از وزرا را ستوده است. او با سرودن قصایدی در مدح و منقبت معصوم (ع)، ارادت خویش را به این خاندان نشان داده است. همچنین با سرودن قصایدی در مدح خاندان مجدالدین و بهاءالدین، ایثار و سخاوت آنها را ارج نهاده و با خلق قصیده‌ی تاریخی نونیه خود، هجوم وحشیانه سپاه ملک شاه سلجوقی به منطقه مشهد اردهار (اردهال) و روس‌تای بارکرسف و خرابی‌هایی را که به بار آوردند، به تصویر کشیده و با مردم آن سامان همدردی نموده و بدین طریق، اوج حس نوعدوستی و م‌خاؤات را به نمایش گذاشته است.

۳-۵-۲- دیوان شعر

شعری که از سید ابوالرضا موجود است، ۱۹۱۵ بیت دارد. ۵۵ بیت، آن ابیاتی است که دیگران سروده‌اند و ۱۸۶۰ بیت آن متعلق به سید ابوالرضاست و چیزی حدود ۱۰۰۰ بیت آن در مدح وزرا و مجدالدین و خاندانش سروده شده است. مجدالدین، ابوالقاسم، عبیدالله بن فضل بن محمود (وفات ۵۳۵ق): یکی از ممدوحان بزرگ سید ابوالرضاست. بخش زیادی از اشعار

^{۱۲۷} الطرائف الجعفریة، ص ۱۵

^{۱۲۸} به نقل از صحیحی، پیشین، ص ۴-۵.




COMSTECH Inter-Islamic Network
on Virtual Universities

Holding time: March 2021
Avicenna International Community College LLC
WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

مدحی این شاعر در مدح او ست، زیرا ۹۳۸ بیت از ابیات این دیوان در مدح او و خاندانش می‌باشد؛ ۵۸۶ بیت آن در مدح خود مجدالدین و ۳۵۲ بیت آن در مدح بهاءالدین برادر او، بیان شده است؛ لذا می‌توان گفت تقریباً نصف محتویات دیوان حاضر در مدح مجدالدین و خاندان او سروده شده است. مجدالدین فردی بسیار متدین، متقی، عابد، زاهد، بلندهمت، سخی الطبع، فاضل، دانش‌دوست و هنرپرور بوده است و ثروت زیادی هم داشته است که بخش اعظم آن را در راه خیرات و مبرات صرف کرده است. ابوالرضا این اقدامات تمجید و ستایش کرده است؛^{۱۲۹}

۳-۵-۳- سبک شعر راوندی

اغراضی مانند مدح و هجو و رثا و اعتذار و فراوانی نو ستاژری و مقدمه‌های طللی و تو صیف منازل، نشانگر تقلید راوندی از سبک شاعران قدیم است. اما این امر به هیچ وجه به معنای نفی ارزش راوندی و توان شاعری او نیست. درست است که او شاعری سنتی است، بیشک شاعری توانا و مسلط بر انواع شیوه‌های سخنوری است.

سطح زبانی شعر راوندی در سطح زبانی یعنی موسیقی، واژگان و ساختارهای دستوری (صرف و نحو) نکات چشم‌گیر و ویژه‌ای ندارد و همان سبک و سیاق اشعار شاعران قدیم را دارد و بیشتر سروده‌های او در بحرهای طویل و بسیط و کامل و مقارب است.

سطح بلاغی شعر راوندی نشان می‌دهد که وی بلاغت و فنون بلاغی را به خوبی می‌شناخته و در شعر خویش، بسیار و به جا از آنها بهره گرفته است؛ به گونه‌ای که می‌توان نمونه‌های بسیاری از انواع شگردهای بدیعی و بیانی، به ویژه آرایه‌های لفظی و به خصوص انواع جناس را در اشعار وی مشاهده کرد.^{۱۳۰}

۳-۶- کارکرد فرهنگی مدارس

راوندی، مؤلف راحة الصدور، که از مورخان آن عصر به شمار می‌رود، کاشان را، منشأ فضلاء و هنرمندان دانسته، و اغلب وزیران و دبیران و مستوفیان و... را، از تربیت‌یافتگان کاشان، دانسته است^{۱۳۱}.^{۱۳۲} در این بخش به تعدادی از مدارس علمیه دائر در منطقه کاشان اشاره شده و به بخشی از فعالیت‌های علمی آن اشاره خواهیم کرد:

^{۱۲۹} به نقل از صحیحی، پیشین، ۶.

^{۱۳۰} نک: صحیحی، پیشین، ص ۱۱.

^{۱۳۱} - راحة الصدور، صفحه ۵۱

^{۱۳۲} موحد ابطحی، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۲، ص ۵۵۴



۳-۷- اقدامات عمرانی واجتماعی

ساخت مدارس، مساجد، بیمارستان‌ها، پل‌ها، کاروان‌سراها و خانقاه‌ها از اقدامات عمرانی واجتماعی خاندان راوندی محسوب می‌گردد. اشعارس منسوب به برخی از رجال راوندی موید این مدعاست. برای نمونه شاعر در این ابیات به گوشه ای از این اقدامات اشاره می‌کند:

و أثن علی آثاره الغرر التی	ستبقی علی مرّ اللیالی الغوابر
مساجده داراته و قیبه	مدارسه خاناته و القناطر
قناطر لم یعقدن الابهمة	اذا اعترمت لم تأب نثر القناطر ^{۱۳۳}
و از جمله بنای مدرسه‌ی مجدیه که سیدابوالرضا در شأن این مدرسه، ارتجالاً چنین سروده است:	
ومدرسه أرضها کالسماء	تجلت علینا بافاقها
کواکبها غراً أصحابها	وأبراجها غراً أطباقها
وصاحبها الشمس مابینهم	تضیء الظلام یا شراقها
فلو أن بلقیس مرّت بها	لأهوت لتكشف عن ساقها
وظنته صرح سلیمان إذ	یمردّ بالجنّ حدّاقها ^{۱۳۴}

محقق توانا، علی دوانی از عالم جلیل القدر، سید علیخان مدنی، صاحب کتاب الدرجات الرفیعة نقل می‌کند «مدرسه بزرگ مجدیه در روی زمین نظیر نداشته است. بسیاری از علما و فضلا و زهاد و حجاج در آن سکونت داشته‌اند.^{۱۳۵} سید ابوالرضا از مجدالدین به عنوان «ناصر اسلام» یاد کرده است:

الی نور مجدالدین و السید الذی	إلیه یؤول المجد حیث یؤول
الی ناصر الاسلام ان تبد عشره	به فهو من دون الأنام مقیل ^{۱۳۶}
و در جای دیگر با، همین لقب از وی یاد کرده و می‌گوید:	
أعطیت یا ناصر الاسلام واحده	انّ العطاء مقادیر و أوزان

^{۱۳۳} همان، ص ۵۲.

^{۱۳۴} همان، ص ۱۹۸.

^{۱۳۵} الدرجات الرفیعة، ص ۵۰۶.

^{۱۳۶} همان، ص ۷.





COMSTECH Inter-Islamic Network
on Virtual Universities

Holding time: March 2021
Avicenna International Community College LLC
WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

بقیت یا ناصر الاسلام و اتصلت
فأنتم المقصد الأعلى و بیئکم
هو الناصر الاسلام شرقاً و مغرباً

من عرقکم فی سماء المجد أغصاناً
بيت العلاء ولعلیاء بنیان^{۱۳۷}
اذا لم یکن دوماً سواه نصیر^{۱۳۸}

البته سید ابوالرضا در دیوان خود از «مجدالدین» دیگری هم یاد کرده و او «مجدالدین، ابوالحسن، محمد بن علی بن موسی» است که شرح حال دقیقی از او در دست نیست. شاعر ابیات زیر را در مدح او سروده است:

ذاک مجدالدین حقاً أنه
و بهاء هو للاسلام
و أخو الفضل حقیقاً و ابو
کم لمجدالدین من مکرمه

ماسح من وجتیه الدرنا
من بعد أن قد آض لیلاً مدجنا
کل شیء کان يوماً حسناً
نقد العمر علیها ثمننا^{۱۳۹}

در قصیده دیگری، از تعبیر «هو الدهر، هو البحر، هو البدر، هو اللیث، هو الغیث و هو الأرض» در مدح او استفاده کرده و قصیده مزبور را با این بیت به پایان می‌رساند:

و ان تک أبجرها سبعة
و عشر أناملها أبجر^{۱۴۰}

اینک به پاره‌ای از اقدامات عمرانی رجال راوندی در منطقه کاشان می‌پردازیم:

۳-۲-۱ - مدرسه صفویه

صفی‌الدین، أبو طاهر، اسماعیل، ملقب به عزیز الحضرت کاشی، از دستیاران خواجه نظام الملک طوسی، عمارات متعددی در شهرهای گوناگون انجام داد، و از جمله، مدرسه‌ای در کاشان احداث کرد^{۱۴۱}.
این مدرسه، محل تدریس و فعالیت علمی سید أبو الرضا (فضل الله) راوندی بوده، و گفته می‌شود که این مدرسه، از همه مدارس کاشان بزرگتر و عالی‌تر بوده است^{۱۴۲ و ۱۴۳}

^{۱۳۷} همان، ص ۱۴.

^{۱۳۸} همان، ص ۳۵.

^{۱۳۹} همان، ص ۲۰.

^{۱۴۰} همان، ص ۱۲۴ به نقل از صحیحی، پیشین، ص ۷-۸.

^{۱۴۱} - تاریخ مدارس ایران، صفحه ۱۴۰، و نیز رجوع شود به لغتنامه دهخدا، جلد ۳، صفحه ۸۹۰.

در ذیل عنوان أبو نصر، و کتاب نقض، صفحه ۷۳۵

^{۱۴۲} - سیمای کاشان، صفحه ۱۰۰

^{۱۴۳} موحد ابطی، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۲، ص ۵۷۱





COMSTECH Inter-Islamic Network
on Virtual Universities

Holding time: March 2021
Avicenna International Community College LLC
WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

عَلَمَةُ مَجْلِسِي، در کتاب اجازات بحار، از این عالم بزرگ یاد نموده، و نامه ضیاء الدین فضل الله راوندی به او را (از کاشان به اصفهان) ذکر کرده، که مشتمل بر این دو شعر بوده است^{۱۴۴}:

شوقی إلى مولای عبد الرحيم
عروض قلبی للعذاب الایم
وا عجباً من جنّة شوقها
یوقد فی الأحشاء نار الجحيم

و علامه طهرانی (آقابزرگ) در طبقات، او را از اعظم علماء شمرده، و از مشایخ و تلامیذ او یاد کرده، و به برخی از اجازاتی که به بزرگان علم و دین داده، اشاره نموده است^{۱۴۵}. و شیخ حرّ عاملی، در أمل الامل، او را فاضل جلیل، و از مشایخ قطب الدین راوندی شمرده است^{۱۴۶}.

فقیه و رجالی نامدار، صاحب روّضات الجنّات، در شرح حال ضیاء الدین فضل الله راوندی، از ابن اخوه یاد کرده، و او را با عنوان ادیب فاضل کامل، ستوده است^{۱۴۷ و ۱۴۸}.

۳-۲- مدرسه علی بن فضل الله

فرزند دانشمند و بزرگوار سید أبو الرضا فضل الله راوندی کاشانی، یعنی أبو الحسن، عزّ الدین، علی بن فضل الله راوندی کاشانی، که عالمی فقیه و مورد وثوق، و شاعری ادیب بوده، و با شیخ منتجب الدین رازی متوفای سال ۵۸۵ هجری معاصر بوده، و تفسیری به نام تفسیر عزّ الدین نوشته است، مدرسه‌ای بی نظیر در کاشان بنا نهاده است^{۱۴۹ و ۱۵۰}.

مهم‌ترین منطقه شیعه‌نشین در ری، مصلحگاه یا در مصلحگاه بوده است. شاهد آن شعری است که راوندی سنی‌مذهب در راحة الصدور آورده است^{۱۵۱}.

در شهر کاشان و حومه آن، بقعه‌هایی متعلق به علماء بزرگ دین، وجود دارد که هر کدام، سندی بر تاریخ درخشان علمی و دینی کاشان می‌باشند، همانند: «بقعه سید أبو الرضا راوندی» و «بقعه ملا فتح الله کاشانی» و «بقعه و مزار مرحوم ملا محسن

۱۴۴ - بحار الأنوار، جلد ۱۰۷، صفحه ۲۲
 ۱۴۵ - الثقات العیون فی سادس القرون، صفحه ۱۵۸-۱۵۹
 ۱۴۶ - أمل الامل، قسم دوم، صفحه ۱۴۸
 ۱۴۷ - روّضات الجنّات، جلد ۵، صفحه ۳۶۷
 ۱۴۸ - موحد ابطحی، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۱، ص ۳۲۵
 ۱۴۹ - ریحانة الأدب، جلد ۴، صفحه ۱۱
 ۱۵۰ - موحد ابطحی، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۲، ص ۵۷۳
 ۱۵۱ - جعفریان، ۱۳۸۷ ه.ش، ص ۵۰۲




COMSTECH Inter-Islamic Network
on Virtual Universities

Holding time: March 2021
Avicenna International Community College LLC
WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

فیض کا شانی» و «مرقد مرحوم حاج میر عبد الواسع منزوی» و «مقبره حاج سید محمد تقی پشت م شهدی» و «مزار و مقبره شیخان» و «مزار و مقبره حاج میرزا أبو القاسم مجتهد» و... ۱۵۲، ۱۵۳

۳-۷-۳- مدرسه خان

مدرسه‌ای بوده که بنای آن، به دست سید لطیف خان (از بستگان سید أبو الرضا راوندی) گذاشته شده، و نوشته‌اند که غیاث الدین جمشید کاشانی، در آن مدرسه، به درس و بحث علمی اشتغال داشته است^{۱۵۴}.

۳-۷-۴- مدرسه علی بن فضل الله

فرزند دانشمند و بزرگوار سید أبو الرضا فضل الله راوندی کاشانی، یعنی أبو الحسن، عز الدین، علی بن فضل الله راوندی کاشانی، که عالمی فقیه و مورد وثوق، و شاعری ادیب بوده، و با شیخ منتجب الدین رازی متوفای سال ۵۸۵ هجری معاصر بوده، و تفسیری به نام تفسیر عز الدین نوشته است، مدرسه‌ای بی نظیر در کاشان بنا نهاده است^{۱۵۵ و ۱۵۶}.

مشایخ حدیث او، همانند: شریف أبو السعادات، هبة الله بن شجری، و أبو الفوارس، طراد زینبی عبا سی نقیب، و سیده تقیه، بنت سید مرتضی علم الهدی (که راوی نهج البلاغه، از عمویش سید رضی بوده، و به ابن اخوه، اجازه نقل آن را داده است) و أبو غانم عصمی هروی شیعی امامی، و نیز جمعی دیگر از بزرگان بوده‌اند، و شاگردانی، همانند: ضیاء الدین، فضل الله بن علی علوی حسنی راوندی (چهره بزرگ علمی شیعه در آن زمان) و قطب الدین، سعید بن هبة الله راوندی (مشهور به قطب راوندی، محدث نامدار و پرافتخار شیعه) و عماد الدین، علی بن قطب راوندی، و سدید الدین، محمد طوسی، و رشید الدین، أبو الحسن، علی بن محمد شعیری و...، داشته است^{۱۵۷ و ۱۵۸}.

^{۱۵۲} - از بقعه‌های بسیار ارزشمند کاشان، بقعه محتشم کاشانی است، که او گرچه از شعرا بوده، و در زمره علماء به شمار نمی‌رود، ولی مقام معنوی او، و عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و حضرت زهراء علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به او، موجب شده که بقعه و مزار او، از مفاخر دینی کاشان محسوب گردد.

^{۱۵۳} - موحد ابطحی، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۲، ص ۵۶۹.

^{۱۵۴} - سیمای کاشان، صفحه ۱۰۳، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان، صفحه ۹۴.

^{۱۵۵} - ریحانة الأدب، جلد ۴، صفحه ۱۱.

^{۱۵۶} - موحد ابطحی، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۲، ص ۵۷۲.

^{۱۵۷} - أعيان الشیعه و دائرةالمعارف تشیع و...

^{۱۵۸} - موحد ابطحی، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۱، ص ۳۲۴.



۳-۷-۵- مدرسه مجدیّه

مدرسه‌ای است که به مجد الدین عبد الله (عید الله) فضل بن محمود کاشانی (متوفای ۵۳۵ قمری) نسبت داده شده است، و مدرسه‌ای وسیع بوده، و تولیت و سرپرستی و تدریس این مدرسه باشکوه، با سید ابو الرضا فضل الله راوندی بوده است^{۱۵۹ و ۱۶۰}

۳-۷-۶- مدرسه علی بن فضل الله

فرزند دانشمند و بزرگوار سید ابو الرضا فضل الله راوندی کاشانی، یعنی ابو الحسن، عز الدین، علی بن فضل الله راوندی کاشانی، که عالمی فقیه و مورد وثوق، و شاعری ادیب بوده، و با شیخ منتجب الدین رازی متوفای سال ۵۸۵ هجری معاصر بوده، و تفسیری به نام تفسیر عز الدین نوشته است، مدرسه‌ای بی نظیر در کاشان بنا نهاده است^{۱۶۱ و ۱۶۲}

برآیند فصل سوم:

در این فصل به اقدامات فرهنگی و عمرانی خاندان راوندی پرداخته شد. رجال راوندی در منطقه کهن کاشان با اقدامات و فعالیت های گوناگونی بایسته های رشد فرهنگی، اجتماعی و عمرانی کاشان را فراهم آوردند. اقدامات و فعالیت های کارآمد رجال راوندی موجب شد منطقه راوند در دوران سلجوقیان به رشد و شکوفایی دست یابد. از جمله اقدامات شایسته و مهم ایشان در عرصه فرهنگ میتوان به روایت میراث حدیثی، شرح و تصحیح میراث روایی ائمه اطهار علیهم السلام، گسترش عقاید امامیه و ادبیات اشاره کرد. همچنین در عرصه اقدامات عمرانی و اجتماعی رجال راوندی نقش بسزایی داشتند. از مهمترین اقدامات اجتماعی ایشان می توان به ساخت مدارس علمیه در منطقه کاشان اشاره کرد

^{۱۵۹} - تاریخ مدارس ایران، صفحه ۱۴۰، به نقل از آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز، صفحه ۱۰۸، و سیمای کاشان، صفحه ۱۰۲، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان، صفحه ۲۹۶

^{۱۶۰} موحد ابطی، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۲، ص ۵۷۱.

^{۱۶۱} - ریحانه الأدب، جلد ۴، صفحه ۱۱

^{۱۶۲} موحد ابطی، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۲، ص ۵۷۳.



COMSTECH Inter-Islamic Network
on Virtual Universities

Holding time: March 2021
Avicenna International Community College LLC
WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن، بیتا، التاريخ الباهر فی الدولة الاتابکیه، تحقیق عبدالقادر احمد طلیمات. قاهره: دارالکتب الحدیثه.
۲. ابن اخوه، محمد بن محمد، ۱۳۶۵، معالم القریه، آیین شهرداری، ترجمه جعفر شعار. تهران: علمی و فرهنگی.
۳. ابن الیبی، یحیی بن محمد بن علی الجعفری الرغدی. ۱۹۰۲. مختصر سلجوقنامه. به اهتمام م. هـ هوتسما. لیدن.
۴. ابوالرّجاء قمی، نجم الدّین. ۱۳۶۳. تاریخ الوزراء. به کوشش محمد تقی دانش پژوه. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۵. ابن العبری، غریغوریوس ابوالفرج اهرن، ۱۳۶۴، مختصر الدول. مترجمان محمدعلی تاج پور- حشمت الله ریاضی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۶. ابن الفوطی، کمال الدین ابوالفضل، ۱۹۶۵-۱۹۶۲، مجمع الاداب فی معجم القاب. ج ۴. دمشق.
۷. ابن الوردی، ابوحفص زین الدین عمر، ۱۳۸۹ ق، تتمه المختصر فی اخبار البشر یا تاریخ ابن وردی، ۲ جلد، نجف: المطبعه الحیدریه،
۸. ابن بطوطه، محمد ابن عبدالله، ۱۳۷۶، سفرنامه، ج ۱، ترجمه محمدعلی موحد. تهران: طرح نو.
۹. ابن تغریبندی، جلا الدین ابوالمحاسن، ۱۳۷۵ق، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره. ج ۵. قاهره: دار الکتبه المصریه.
۱۰. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، ۱۹۹۲ / ۱۴۲۱، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۵ و ۱۶. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۱. ابن جوزی، الشیخ الامام ابوالفرج عبدالرحمان، ۱۳۵۷-۱۳۵۹ق، المنتظم فی تواریخ الملوک والامم. ج ۸ - ۱۰. حیدر آباد دکن دائره المعارف العثمانیه.
۱۲. ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن، ۱۹۷۹، العبر و دیوان المبتداء و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الأكبر، ج ۵ و ۴ بیروت.
۱۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۶۳، تاریخ ابن خلدون (العبر). ج ۲ و ۴، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۴. ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین، ۱۹۷۸، وفات الأعیان و انباء ابناء الزمان. ج ۱ تا ۷. بیروت.
۱۵. ابن خلکان، شمس الدین احمد، ۱۳۸۱، منظر الانسان (ترجمه و فیات الاعیان). ج ۱ و ۲ و ۳. ترجمه احمد بن محمد سنجرى تصحیح فاطمه مدرسی. ارومیه: دانشگاه ارومیه.



COMSTECH Inter-Islamic Network
on Virtual Universities

Holding time: March 2021
Avicenna International Community College LLC
WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

۱۶. ابن طقطقی، محمد بن طباطبا، ۱۳۶۷، تاریخ فخری در آداب ملکداری و دولت‌های اسلامی، مترجم محمد وحید گلپایگانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۷. ابن عبری، غریغوریوس ابوالفرج، ۱۳۶۴، تاریخ مختصر الدول، ترجمه محمد علی تاج پور و حشمت‌الله ریاضی، تهران: اطلاعات.
۱۸. ابن عساکر، علی بن حسن، ۱۴۱۵، تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۴ بیروت: دار الفکر.
۱۹. ابن عمرانی، محمد بن علی، ۲۰۰۱ / ۱۴۲۱، الانباء فی تاریخ الخلفاء، تحقیق قاسم سامرائی. قاهره: دار لآفاق العربیه.
۲۰. ابن قلانسی، ابوسعید حمزه بن اسد التمیمی، ۱۹۰۸، ذیل التاریخ دمشق، بیروت: نشر آمد روز.
۲۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر الدمشقی، ۱۳۵۱ ق، البدایه والنهایه و معه نهایه البدایه والنهایه فی الفتن والملاحم، ج ۱۲. مصر.
۲۲. ابن واصل، جمال الدین محمد بن سالم، بیتا، مفروج الکروب فی الاخبار بنی ایوب، تصحیح جمال الدین الشیال مصر.
۲۳. ابن اثیر، عز الدین علی. ۱۳۶۸. کامل: تاریخ بزرگ اسلام و ایران. ترجمه علی هاشمی حائری و ابوالقاسم حالت. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۲۴. ابن اثیر، عزالدین علی. ۱۳۷۱، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران ج ۲۲ تا ۲۵. ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت تهران: علمی.
۲۵. ابن الازراق، احمد بن یوسف الفارقی. ۱۹۵۹، تاریخ میافارقین و آمد. تحقیق بدوی عبدالطیف عوض، قاهره.
۲۶. ابن عمرانی، محمد بن علی بن محمد. ۱۳۶۲، الانباء فی تاریخ الخلفاء، تصحیح تقی بینش، مشهد: انتشارات دفتر نشر کتاب.
۲۷. ابوالفداء، الملک الموید عمادالدین اسماعیل، بیتا، المختصر فی الاخبار البشر. ج ۲ و ۳. مصر.
۲۸. ابوشامه، شهاب الدین عبدالرحمن بن اسماعیل، ۱۹۵۶، الروضتین فی اخبار الدولتین، تصحیح محمد حلمی، قاهره.
۲۹. اصفهانی، علی بن ابی حفص، ۱۳۸۲، تحفه الملوک، تصحیح علی اکبر احمدی دارانی. تهران: میراث مکتوب.
۳۰. اصفهانی، عمادالدین محمد، ۲۰۰۴ / ۱۴۲۵، تاریخ دولت آل سلجوق، تصحیح یحیی مراد. بیروت: دار العلمیه.
۳۱. افضل الدین کرمانی، احمد بن حامد، ۱۳۸۶، سلجوقیان و غز در کرمان، تحریر محمد بن ابراهیم خبیسی، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علم.
۳۲. آقابزرگ تهرانی، محسن، ۱۴۰۳ ق، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، ج ۳، بیروت: دارالأضواء.
- ابن رسته، احمد بن عمر، ۱۸۹۲ م، الأعلاق النفیسه، بیروت: دار صادر.



۳۳. آقسرایبی، محمد، ۱۳۶۲، تاریخ سلاجقه با مسامره الاخبار و مسایره الاخیار. تصحیح عثمان توران. تهران: انتشارات اساطیر.
۳۴. باسورث، ادموند کلیفورد. ۱۳۷۱، «تاریخ سیاسی و دودمانی ایران (۶۱۴ - ۳۹۰ق)». تاریخ ایران کمبریج، ج ۵، زیر نظر جی آ. بویل. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، ص ۱۹۹ - ۹.
۳۵. بغدادی، بهاءالدین محمدین مؤید، ۱۳۸۵، التوسل الی التوسل به تصحیح احمد بهمنیار، تهران: اساطیر.
۳۶. بنداری اصفهانی، فتح بن علی بن محمد زبده النصره و نخبه العصره (تاریخ سلسله سلجوقی). ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ، ۲۵۳۶.
۳۷. بویل، چی (گردآورنده)، ۱۳۷۹، تاریخ ایران، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ج ۵، ج ۳. پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۳۸. پورجوادی، نصرالله، ۱۳۷۴، عین القضاة و استادان او. تهران: اساطیر.
۳۹. جنید شیرازی، ابوالقاسم، ۱۳۲۸، شد الازار فی حط الازار عن زوار المزار، تهران: مجلس.
۴۰. جوزجانی، منہاج السراج، ۱۳۶۳، طبقات ناصری: تاریخ ایران و اسلام. ۲ جلد در یک مجلد. تصحیح عبد الحی حبیبی تهران: انتشارات دنیای کتاب.
۴۱. جوینی، عطا ملک بن محمد، تاریخ جهانگشای، ۳ جلد به تحقیق محمد قزوینی، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۸۵.
۴۲. حسن زاده، اسماعیل، زمستان ۱۳۸۵، «رویکردی متفاوت به رفتار سیاسی و اصلاحات ابوالقاسم درگزینی». فصلنامه فرهنگ، شور، ص ۹۰ - ۶۳.
۴۳. حسینی، صدرالدین ابوالحسن ناصر بن علی، ۱۳۸۰، زبده التواریخ، اخبار الامراء و الملوك السلجوقیه. ترجمه رمضان علی روح الهی، تهران: انتشارات ایل شاهسون بغدادی.
۴۴. حسینی، علی بن ناصر، ۱۳۸۰، زبده التواریخ: اخبار امراء و پادشاهان سلجوقی، ترجمه رمضانعلی روح الهی، تهران: ایل شاهسون بغدادی.
۴۵. حموی بغدادی، یاقوت، ۱۳۸۳، معجم البلدان، ج ۱، ترجمه علینقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۴۶. خوفا، احمد بن محمد، ۱۳۶۸، مجمل فصیحی، ۳ جلد تحقیق محسن ناجی نصرآبادی. تهران: انتشارات اساطیر.
۴۷. خواند میر، قیاس الدین بن حمام الدین الحسینی، ۱۳۸۰، حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، چاپ چهارم، ج ۲، تهران: انتشارات خیام.
۴۸. خواندمیر، غیاث الدین، ۱۳۸۰، تاریخ حبیب السیر. ج ۲. تهران: خیام.
۴۹. دفتری، فرهاد، ۱۳۸۶، تاریخ و عقاید اسماعیلیه. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: فرزاد روز.



COMSTECH Inter-Islamic Network
on Virtual Universities

Holding time: March 2021
Avicenna International Community College LLC
WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

۵۰. دیار بکری، حسین بن محمد، ۱۲۸۳ ق، تاریخ الخميس فی احوال انفس نفیس، ج ۲. قاهره.
۵۱. ذهبی، شمس الدین محمد، ۱۴۱۴ - ۱۴۱۵ق، تاریخ الاسلام، ج ۳۳. بیروت: دار الکتب العربی.
۵۲. ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان، ۱۴۱۲ ه ق - ۱۹۹۱، تهذیب سیر الأعلام النبلاء، چاپ اول، خلاصه شده توسط: احمد فايز الحمصی، تحت نظر: شعيب الأرئوط. ناشر: مؤسسه الرساله.
۵۳. رازی، امین احمد، ۱۳۴۰، هفت اقلیم، ج ۲، به کوشش جواد فاضل. تهران: علمی.
۵۴. راوندی، ابوبکر نجم الدین محمد بن علی، ۱۳۶۴، راحة الصدور و آیه السرور فی تاریخ آل سلجوق، چاپ دوم. تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۵۵. راوندی، محمد بن علی، ۱۳۶۴، راحة الصدور و آید السرور در تاریخ آل سلجوق، تصحیح محمد اقبال، تهران: امیر کبیر.
۵۶. رستم وندی، تقی، ۱۳۸۸، اندیشه ایرانشهری در عصر اسلامی، تهران: امیر کبیر.
۵۷. سبط بن الجوزی، ۱۳۷۰ق. / ۱۹۵۱م، مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان، جلد ۱۱ و ۱۲. حیدر آباد: مطبعة المعارف العثمانیه.
۵۸. سبکی، تاج الدین عبدالوهاب، بی تا، طبقات الشافعیه الکبری، ج ۳ و ۴. بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
۵۹. سجادی، جعفر، ۱۳۶۲، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۳، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
۶۰. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابوبکر، بی تا، تاریخ الخلفاء، مصر: بی تا.
۶۱. شبانکاره ای، محمد، ۱۳۶۳، مجمع الانساب، تصحیح میر هاشم محدث. ۲ جلد، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۶۲. شعبانی، امامعلی و زارعی، علی، زمستان ۱۳۹۲، «دلایل و زمینه های قتل های سیاسی - مذهبی در جهان اسلام در قرون ۵ و ۶ با تاکید بر ایران» فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام، ش ۵۶، ص ۱۲۵ - ۱۰۱.
۶۳. شوشتری، نورالله بن شریف الدین، ۱۳۷۷، مجالس المومنین، ج ۲، تهران: اسلامیه.
۶۴. شیرازی، قطب الدین، ۱۳۶۹، درة التاج، تصحیح محمد مشکوه. تهران: حکمت.
۶۵. شیرازی، معصومعلیشاه، ۱۳۶۱، طرائق الحقائق، به کوشش محمد جعفر محجوب، تهران: سنائی،
۶۶. مقدسی، ابو عبدالله، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ج ۲، ترجمه علی نقی منزوی. تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
۶۷. میرخواند. محمد بن خاوندشاه بن محمود، ۱۳۸۵، روضه الصفا. ج ۶. تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
۶۸. طباطبایی، جواد، ۱۳۸۸، تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران: کویر.
۶۹. صبوری قمی، آیه الله شیخ جعفر، الطرائف الجعفریه من الأحادیث الأمامیه؛ ج ۱، انتشارات دارالتفسیر (اسماعیلیان).
۷۰. عبدالرزاق، علی، ۱۹۹۸، الاسلام و اصول الحکم الجزایر: موقم النشر.





COMSTech Inter-Islamic Network
on Virtual Universities

Holding time: March 2021
Avicenna International Community College LLC
WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

۷۱. عتبی، ابونصر محمد بن عبدالجبار، ۱۳۷۴، تاریخ یمینی، چ ۳. ترجمه ابوالشرف ناصح جرفادقانی، به اهتمام دکتر شعار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۷۲. عین القضاء همدانی، عبدالله بن محمد، ۱۳۸۶، تمهیدات. به کوشش عقیف عسران، تهران: منوچهری.
۷۳. العینی، بدرالدین محمود بن احمد، ۱۴۰۸ه. ق، عقدالجمعان فی تاریخ اهل الزمان. ۴ جلد، مصر: انتشارات الهیه المصریه، ۷۴. فارسی، عبدالغافر بن اسماعیل، ۱۴۰۳ق، تاریخ نيسابور: المنتخب من السياق، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷۵. فرمنش، رحیم. ۱۳۹۳، احوال و آثار عین القضاة همدانی، تهران: اساطیر.
۷۶. فیرحی، داود، ۱۳۹۰، دین و دولت در عصر مدرن، تهران: رخداده نو.
۷۷. قادری، حاتم، ۱۳۸۳، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران: سمت.
۷۸. قبادیانی، ناصر بن خسرو، ۱۳۶۴، دیوان، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.
۷۹. قرآن کریم.
۸۰. مدنی شیرازی، صدرالدین علی بن احمد، معروف به سید علیخان، ۱۳۹۷ق، الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعہ؛ چ ۲، کتابخانه‌ی بصیرتی، قم.
۸۱. راوندی، ابی‌الحسین سعید بن عبدالله، معروف به قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷ق، الدعوات؛ قم، تحقیق و نشر مؤسسه امام مهدی (عج)، چ ۱، (همان کتاب «النوادر» است).
۸۲. قزوینی رازی، عبدالجلیل، ۱۳۵۸، نقض، تصحیح جلال‌الدین محدث. تهران: انجمن آثار ملی.
۸۳. قزوینی، حمدالله مستوفی، ۱۳۳۹، تاریخ گزیده، چ ۳. به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۸۴. قزوینی، زکریا بن محمد، ۱۳۷۳، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه میرزا جهانگیر قاجار. تهران: امیر کبیر.
۸۵. قلقشندی، ابوالعباس احمد علی، ۱۹۶۴، مآثر الانافه فی معالم الخلافه. به تحقیق عبد الستار احمد فراج. کویت: التراث العربی، سلسله تصدیرها وزارت الارشاد و الانباء.
۸۶. قمی، نجم‌الدین ابوالرجا، ۱۳۶۳، تاریخ الوزراء، به کوشش محمدتقی دانش پژوه. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۸۷. کسای، نورالله، ۱۳۷۴، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران: امیر کبیر.
۸۸. کلوزنر، کارلا، ۱۳۶۳، دیوانسالاری در عهد سلجوقی، ترجمه یعقوب آژند. تهران: امیر کبیر.
۸۹. کیانی نژاد، زین‌العابدین، ۱۳۸۷، عارفان شهید، تهران: آرون.
۹۰. کاتب اصفهانی، عمادالدین، ۱۳۷۸، خریده القصر و جریده العصر. تحقیق عدنان محمد آل طعمه. تهران: میراث مکتوب.
۹۱. لمبتون، آن، ک. س، ۱۳۷۲، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند تهران: نی.



5th International Conference on Language, Literature History and Civilization

COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

۹۲. مادلونگ، ویلفرد، ۱۳۷۵، مکتبها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ترجمه جواد قاسمی، مشهد: آستان قدس رضوی.

۹۳. ماوردی، ابوالحسن علی، ۱۳۸۳، آیین حکمرانی، ترجمه حسین صابری، تهران: علمی و فرهنگی.

۹۴. مایل هروی، نجیب، ۱۳۸۹، خاصیت آیینگی: نقد حال، گزاره آراء و گزیده آثار فارسی عین القضاء همدانی. تهران: نی.

۹۵. مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی، ۱۹۵۶، کتاب السلوک المعرفه الدول الملوک، ج ۱، نشر و تحقیق مصطفی زیاده قاهره.

۹۶. مک آیور، د. م. ۱۳۴۹، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم علی کنی، تهران: نشر کتاب.